



تقديم به ساحت مقدس آقا امام زمان (عج)

WWW.MIHANDOWNLOAD.COM



مواقف قیامت

فہیمہ صدر کریمی

مواقف قیامت

<<مواقف>> جمع <<موقف>> یعنی مکان توقف، ایستگاه، بازداشتگاه، از مهمترین صحنه های قیامت بازداشتگاهها و به تعبیر زیبای قرآن <<عقبات>> است. (بلد / 11-18). عمیق ترین و حیرت انگیزترین مطلب در موضوع معاد گذشتن از گذرگاههای قیامت است. سفری بسیار طولانی با راههای خطرناک و گردنه های صعب العبور و توشه ی کم.

حضرت علی (ع) می فرماید: آه از کمی توشه و طول سفر وحشت و خوف راه و سختی ورودگاه (قبر و برزخ و قیامت). بحار الانوار، ج 40، ص 330

مواقف قیامت بسیار است و در ایستگاههای مختلف، کاروان بشر را متوقف می سازند و اعمال و کردار او را مورد بررسی قرار میدهند. از قرآن و روایات برمی آید که روز قیامت پنجاه موقف دارد که هر موقف هزار سال است. و یعنی در پنجاه محل به حساب آنان رسیدگی میکنند، در بعضی روایات مواقف را تا هفتاد هم ذکر کرده اند. امام صادق فرمود: همان ای مردم به حساب اعمال خود برسید پیش از آنکه شما را در پای حساب نگهدارند، زیرا که در قیامت پنجاه موقف است که طول مدت هر موقف هزار سال است به حساب شما. سپس این آیه را تلاوت فرمود: در روزی که اندازه ی آن پنجاه هزار سال است. (معارج/ 4) مراد از 50/000 سال این است که در آنجا هم از گردش خورشید و ماه، سالهای شمسی و قمری پدید می آید. این مسعود می گوید: خدمت امیرالمومنین نشستند بودم که فرمود: برای قیامت پنجاه موقف است که در هر موقعی هزار سال است.

آری تمام انسانها پس از این که قبرهایشان بر می خیزد و به وسیله ی عوامل سوق دهنده بسوی محشر و تا رسیدن به جایگاه نهایی، مواقفی وجود دارد که باید از آنها بگذرند. در اینجا پاره ای از آن مواقف و عقبات مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مورد ترتیب عقبات و مواقف قیامت نمی توان بدرستی نظر داد، زیرا هم سیاق روایات و هم نظر مفسرین و اهل مطالعه در این مورد متفاوت است، به هر تقدیر دانستن ترتیب مواقف چندان اهمیتی ندارد.

1- کتاب با نامه عمل

بعد از آن که نظام عالم دگرگون شد و مردم جهت رسیدگی به اعمالشان وارد صحرای محشر گردیدند و محکمه ای برای محاسبه و توزین اعمال آنان تشکیل شد، پرونده های مردم با حضور گواهان مورد بررسی قرار می گیرد و سر نوشت نهایی برحسب نامه ی اعمال که یکی از مواقف مهوله ی قیامت است تعیین می شود. در قرآن و روایات به طور مفصل از نامه ی عمل سخن به میان آمده است و با تعبیرهایی مانند: کتاب، صحف، صحیفه ی اعمال، طائر، زبُر یاد شده و فرشتگان نویسندگی کتاب با نامهایی رقیب و عتید، کرام کاتبین، رسولان پروردگار و متقیان، ذکر شده اند. نامه ی عمل یعنی کارنامه و پرونده ای که کارهای نیک و بد انسان در

دنیا انجام داده، در آن نوشته شده، پرونده ای که از کوچک و بزرگ، فرو گذار ننموده است.

ما همه چیز را در نامه ی عمل احصا کرده ایم. **یس/12**

مطابق آیه ی قرآن نامه ی اعمال گنهکاران درسجین (قسمت پایین مربوط به دوزخ است) ولی نامه ی اعمال

خوبان در علیین (جانب اعلی مربوط به بهشت) می باشد. **مطفغین/21-8**

قرآن کریم به جایی که اعمال خیر و شر آدمی در آن ثبت و ضبط می شود کتاب می گوید

در عالم قیامت سه نوع کتاب یا نامه ی اعمال وجود دارد:

1 - کتاب واحدی که اعمال همه انسانها در آنست. **2** - کتابی که هر امتی دارد و همه اعمال یک امت در آن درج

است. **3** - کتابی که برای هر انسان بطور جداگانه وجود دارد. این آیه در مورد کتابی صحبت می کند که اعمال همه

ی خلایق در آن ضبط است. مجرمین وقتی از محتوای این کتاب آگاه می شوند آنچه وحشت زده می شوند

که آثارش را می توان برچهره ی آنها دید.

علت این وحشت آن است که می بینند این کتاب هیچ گناه کوچکی را بخاطر کوچکیش از قلم نینداخته چه

رسد به گناهان بزرگ! و بعلاوه آنچه می بینند اعمال نوشته شده نیست بلکه خود اعمال است که در برابر

آنها مجسم می گردد. حال اگر خدا آنها را مجازات کند آیا ممکن است ظلمی صورت گیرد؟ خیر، چون وقتی اعمال

حاضر است دیگر جایی برای ظلم پروردگار تو بر احدی باقی نمی ماند.

و در آیه شریفه دیگر می فرماید: نامه ی عمل هر انسانی را همراهش نمایم و برگردنش آویزیم و در روز

رستاخیز، آن را به صورت کتابی در آوریم که ببیند آن را باز شد و به او می گوئیم کتابت را بخوان، کافی است

که امروز، خود حسابگر خویش باشی. **اسری/13 و 14**

در تفسیر این آیه شریفه از حضرت ابی عبدالله (ع) روایت شده که فرمود: بنده تمام آنچه را عمل کرده و بر او

نوشته شده است به یاد می آورد. چنان می بیند مانند اینکه همین حالا انجام داده است و به این جهت که

گویند: ای وای بر ما این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را از سرموئی فرو گذار نکرده، جز آنکه

همه را شمارش کرده است. **بحار الانوار، ج7، ص315 و 314**

در مورد نام پرونده چند تعبیر به کار رفته از جمله کتاب، صحیفه، طائر، آیات زیر بیانگر آن است. (در آن روز) نامه

های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر میسازند. **زمر/69**

هنگامیکه نامه ی اعمال گشوده شود. **تکویر/10**

این نامه در دنیا پیچیده و سربسته است، و در آخرت گشاده و منشور خواهد گشت.

نامه ی اعمال هر انسانی را برگردنش می آویزیم. **اسری/13**

نامه عمل، لازم لاینفک انسان است، مانند طوق قلاده ای که به گردن انسان باشد، در همه جا و در همه حال

با آدمی همراه است و از او جدا نمی گردد. و اگر در آیه شریفه ملازم گردن تعبیر شده است، شاید از آن نظر

باشد که گردن عضو لازم الوجود در بقای انسان بوده و نبودنش مساوی با نبود انسان می باشد، و هم هرچه

که بر دورگردن آدمی پیچیده باشد در اولین برخورد با دیگران مشهود می گردد. **تفسیر المیزان، ج 13، ص 56**

طائر در زبان عرب به پرنده ای گفته می شود که پرواز کند، آیا مراد قرآن نیز همین است؟

راغب در کتاب مفردات گفته است که مراد از طائر عمل خیر یا شر هر انسانی است که مانند پرنده ای بال می گشاید و از او جدا می شود. در این آیه، اعمال که از انسان سر می زند تشبیه به طوقی شده که در گردن انسان می باشد، کارهای خوب در گردن نیکوکاران مانند گردنبند طلائی است که نشانه جمال و شرافت است و کارهای زشت بدکاران مانند غل و زنجیر نشانه ذلت و خواری و بدبختی آنان است و به طور کلی اعمال، رمز سعادت و شقاوت انسان می باشد.

در روایات ابی الجارود از امام باقر (ع) منقول است که ذیل این آیه شریفه (و کل انسان...) فرموده اند خیر و شر او چنان با او ملازم و در همه جا همراه وی قرار داده شده است که قدرت بر جدا شدن از آن ندارد تا نامه عمل، به او داده شود. **تفسیر المیزان، ج 13، ص 74**

اعمال مشهوده ی انسان در روز قیامت، همان اعمال صادر شده ی از او در دنیا می باشد که پنهان از صاحب خود در حفظ خدا بوده و در روز جزا از پرده بیرون آمده و عینا محسوس و عیان انسان می گردد.

بناش تا از صدمه ی سرافیلی شود صورت خوبت نهان و سیرت زشت آشکار

هر عملی که آدمی از دنیا انجام دهد، گر چه به ظاهر می نمایاند که از بین می رود، ولی همه ی آنها به وسیله دو فرشته مراقب که همواره با آدمی هستند و کوچک و بزرگ اعمال او را یادداشت می کنند، و به شکل پرونده ی کاملی تنظیم می گردد، و در قیامت همین پرونده ها در دست راست و یا چپ افراد قرار می گیرد و بر طبق آن پاداش و یا کیفر می بینند. اما آنها که نامه اعمالشان به دست راستشان داده شده با سرافزاری و افتخار می گویند، هان بیائد و نامه اعمال ما را بخوانید، و کسی که نامه ی اعمالش در دست چپ اوست می گوید: ای کاش نامه اعمالم را به دست من نمی دادند و من از حساب خود آگاه نمی گشتم، کاش این حالت (شرم آور) منتهی به مرگ می شد و قطع حیات از من می نمود. (من مردم و این صحنه ننگین را به خود نمی دیدم)

حاقه/26 و 25 و 19

منظور از دست راستیها و دست چپها چیست؟

بعضی به ظاهر به این عبارت بسنده کرده معتقد شدند مردم 2 گروهند: دست راستیها آنها کسانی هستند که نامه اعمالشان را در قیامت به دست راست آنها می دهند و دست چپها که با دست چپ اعمالشان را میگیرند. مطالعه در آیات قرآن نشان می دهد که منظور از دست راستیها و دست چپها به معنی ظاهری آنها نیست، بلکه منظور از دست راستیها، سعادت مندان و دست چپها شقاوت مندان هستند.

خواندن نامه ی عمل

نامه ی عمل در روز جزا قابل خواندن برای همه کس خواهد بود، (بخوان نامه ات را که امروز، تو، خود، برای

رسیدگی به حساب خود، کافی هستی. اسری/14)

به خوبی استفاده می شود که هر انسانی از بی سواد، بینا و نابینا، همه در آن روز، آشنا با کتاب خود بوده و قادر به خواندن آن نوشته می باشند. (روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوا می خوانیم پس کسانی که نامه ی عملشان به دست راستشان داده شو د، به قرائت کتابشان می پردازند و نامه ی خود را می خوانند. **اسری/71**)

روایتی از امام صادق نقل کرده است که فرمود:

چون روز قیامت شود نامه ی اعمال انسان به دستش داده شده و آنگاه به او گفته می شود: بخوان (را وی می گوید) گفتم: آیا می فهمد که در آن چه هست؟ (به محتویات آن نامه، خودش پی می برد؟) فرمود: خدا به یادش می آورد پس کمترین نگاه با گوشه ی چشمی و کوچکترین سخن و یک قدم برداشتنی و خلاصه هیچ کاری که انجام داده است نمی ماند مگر اینکه آن را به یار می آورد (آنچنان واضح و روشن) که گوئی آن کار را همان ساعت انجام داده است و به همین جهت است که میگویند: ای وای بر ما این چگونگی کتابی است که از کوچک و بزرگ (اعمال ما) فروگذار ننموده و همه را احصا و جمع آوری کرده است.

مهمتر آن که دیگران نیز آن روز، قادر بر خواندن کتاب انسان خواهند بود. یعنی هرکسی می تواند نامه اعمال هر کسی را بخواند و از سرائر او باخبر گردد و لذا نیکوکاران از ظهور اعمالشان شاد گردیده و نامه ی خود را با سر بلندی به دیگران عرضه می دارند و می گویند، بیائید و بخوانید.

چه کسانی پرونده اعمال انسان را تنظیم می کند؟

پاسخ را از زبان قرآن کریم بشنویم :

(برای شما نگهبانانی قرار داده شده که نویسندگان بزرگوار و دانای کردار شما هستند. **انفطار/12 و 10**)

(به خاطر بیاورید هنگامی که دوفرشته راست دوچپ که ملازم انسان هستند، اعمال او را دریافت می دارند، هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی کند مگر اینکه نزد فرشته ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت است. **ق/18 و 17**)

(رسولان ما آنچه را که مکر و نیرنگ می نمایند می نویسند. **یونس/21**)

حقیقت این کتاب و نامه ی اعمال چیست؟

در این باره میان دانشمندان فلسفه و کلام اختلاف است، برخی (فلاسفه) آن را همان نفس و روح آدمی می دانند که آثار تمام افکار و اعمال خوب و بد در آن ثبت است و تا در این دنیا هستیم به دلیل سرگرمیهای مادی، از دیدن و خواندن آنها غافلیم، ولی هنگامی که مردیم و پرده ها کنار رفت و چشم تیز بین ما گشوده شد، کتاب نفسمان را به روشنی خواهیم دید.

(به یقین تو از این غافل بودی، و اینک پرده را از پیش چشم تو برداشتیم و دیده تو امروز تیزبین شده است. **ق/22**)

برخی دیگر (کلامیون) آن را مکتوبی می دانند که دو فرشته **رقیب** و **عقید** از اعمال آدمی در طول دوران زندگی ثبت و ضبط می کنند و در آن روز ارائه می دهند.

روزی حضرت علی (ع) از کنار مردی که حرفهای بیهوده می زد، می گذشت. حضرت به او فرمود: ای مرد، تو داری به دست دو فرشته مراقب، نامه ای برای پروردگارت املاء می کنی؛ بنابراین سخنی بگو که برایت مفید

باشد و ترک کن کلامی را که بیهوده و بی حاصل است.

طرفداران این عقیده بر این روایت استدلال می کنند. (اعتقادات شیخ صدوق، ص 86) بطور اقتباس))

نامه اعمال انسان عین نفس اوست که آثار اعمالش در آن به صورتی رسوخ کرده که در نفس او نقش بسته است. (تفسیر صافی، ج 3، ص 182)

شاهدان و گواهان پرونده اعمال

از قرآن و روایات برمی آید که محافظان نامه ی اعمال انسان در دنیا قیام به ضبط اعمال و در آخرت اداء شهادت می نماید. باتوجه به قرآن و احادیث پیشوایان (ع) بدست می آید که حدودا هر روز یازده مراقب از طرف خداوند متعال داریم که ما را احاطه کرده اند ، تا هر کار و سخن و حرکت خوب و بد ما را بنویسند و یا نگهدارند تا در روز قیامت به نفع یا بر علیه ما گواهی دهند.

1. گواهی زمین:

یکی از گزارشگرانی که از اعمال خلق فیلمبرداری می کند و روز قیامت در دادگاه عدل خداوند گواهی میدهد (زمین در روز قیامت خبرهای خود را بازگو می کند. زلزال / 4)

روایتی از امام صادق (ع) می فرماید: در مساجد، در نقاط مختلفی نماز بخوانید، زیرا هر نقطه ای در روز قیامت برای نمازگزار در آن شهادت می دهد.

2. اعضا و جوارح و زبان

و امروز مهر (خاموشی) بر دهانشان می نهیم و دستهای آنان با ما سخن می گویند، و پاهایشان به آنچه که (در دنیا) کرده اند گواهی می دهند. بس/65

در روز قیامت زبانهای انسانها برکار آنها گواهی می دهند. نور/24

روایتی از امام علی (ع):

بدانید ای بندگان خدا، دیده بانانی از خودتان و جاسوسهایی از اندامتان بر شما هست و نگهدارنده هایی راستین (از فرشتگان) هستند که اعمال و شماره های نفس های شما را ضبط می کنند، نه تاریکی شب تار، شما را از آن نویسندگان مستور می سازد، و نه درب بزرگ محکم بسته شده، شما را از آنها پنهان می گرداند.

3. فرشتگان

قطعا برای شما مراقبانی وجود دارد. انفطار/10

4. پیامبران و امامان

حال آنکه چگونه است آن روز که برای هر امتی گواهی بر اعمالشان می طلبیم و تو (پیامبر) را گواه اینها قرار خواهیم داد. نسا/41

پس نهاده شدن پرونده انبیاء و شاهدان برای گواهی احضار می شوند. زمر/69

روایتی از رسول خدا (ص)

خدای متعال هنگامی که پیغمبری را مبعوث می فرمود، او را برای قوم خویش شاهد و گواه قرار می داد. **تفسیر**

برهان، ج3، ص105، (بطور اقتباس)

5. زمان

علی (ع) فرمود: روزی برانسان نمی گذرد مگر اینکه آن روز، به انسان هشدار می دهد که من امروز برای تو روز نوی هستم، گواه کارهایی خواهم بود که در من انجام می دهی، و تو در روز قیامت به آنها گواهی خواهی داد.

6. نامه ی اعمال

این کتاب ماست که براستی با شما سخن می گوید، ما از آنچه شما کردید نسخه برمی داشتیم. **جائیه/29**

7. وجدان

نامه ی عمل خود را بخوان، امروز روح و روان تو در مورد اینکه تو گواهی می دهند، کافی است. **اسری/14**
بهترین نوع شهادت بر وقوع یک عمل ارائه عین آن عمل است که راه هر گونه انکار و توجیه را به روی عامل می بندد و هر قسم عذر و بهانه ای را بی اثر می سازد.

آری انسان به اعمال خودش شدیداً بیناست و خودش بر خودش شاهدهی گویاست. **قیامت/14**

8. حیوانات

یکی از گواهان روز قیامت حیواناتی هستند که در روز قیامت محشور می گردند؛ فرشتگان به آنها می گویند: شما برای ثواب و عقاب محشور نشده اید، بلکه علت حشر شما این است که بر کارهای ناشایست انسانها،

گواهی دهید. **لنالی الاخبار، ج5، ص79 (بطور اقتباس)**

9. خود عمل

(ذره ای ستم به آنها نمی شود) چون آنها بار گناهان خویش را به دوش می کشند و چه بدباری بردوش خواهند داشت (این جمله دلیل روشنی برای تجسم اعمال در قیامت است). **انعام/31**

10. خداوند رحمان و رحیم (ما فوق تمام شهادتها)

بزرگترین شاهد و راستگوترین خبر دهنده بر وقوع هرگونه عمل، ذات اقدس حق تعالی می باشد.

خدا برای گواهی و شهادت کافی است. **نساء/79**

هیچ عملی از شما سرنزد، مگر اینکه ما گواه بر آن هستیم. **یونس/61**

حقیقت آنکه خدا برای شما مراقب است. **نساء/1**

خدا به آنچه که می کنند، آگاه است. **نساء/108**

در حدیث قدسی خدای بزرگ می فرماید:

ای فرزند آدم! ملائکه من شب و روز مواظب تو هستند، آنچه را می گویی و انجام می دهی، کم یا زیاد، همه را می نویسند. آسمان بر آنچه از تو دیده شهادت می دهد و زمین بر آنچه روی ؟ آن انجام داده ای گواهی می دهد، خورشید و ماه و ستارگان بر آنچه می گویی و عمل می کنی شهادت خواهند داد. خود نیز بر قلب و بر اعمال

مخفی تو آگاهم. پس از خودت غافل مباش.

بسیاری از امور در دنیا وجود دارد که بر اعمال انسان گواهی می دهند: از جمله گواهی شب و روز، گواهی قرآن کریم، گواهی حجرالاسود، گواهی امام زمان(ع)، گواهی مومنان، گواهی شهداء و... می باشد.

پیامبر(ص) در ضمن روایتی می فرماید:

خداوند در قیامت همه بندگان را محشور می کند، شبها، روزها و مکانها و ماهها و بر اعمال بندگان گواهی می دهند، کسی که اعمالش نیک باشد، اندامها، مکانها، ماهها، سالها، ساعتها، و شبها و روزها و ساعتها جمعاً گواهی می دهند، در مورد بدکاران نیز همه اینها گواهی می دهند. ماه رجب و شعبان و رمضان گواهی می دهند، به آنها خطاب می شوند، عمل این بنده در زمان شما چگونه بود؟ آنها شهادت بر چگونگی عمل میکنند، و فرشتگان نیز آن را تصدیق می نمایند. بحارالانوار، ج7، ص318

چرا خداوند بر اعمال انسان گواه قرار داده؟

لطف و عنایتی که خالق منان نسبت به انسان و تامین سعادت وی دارد، مراقبان، نویسندگان و گواهان متعدد و بی شمار بر او گماشته است تا هم عظمت موقعیت او و عملش را به خودش بشناساند، و هم با توجه به دادن وی به کثرت افراد مشهود و مراقبان عمل، حالت تقوی و تحفظ کامل و مراقبت شدید، در او به وجود آورده، و داعی بر پرهیز از گناه از، دردیش قوی تر سازد. چنانکه انسان طبیعتاً چنین است که توجه به تعداد و کثرت و نظار و بینندگان کارش، وی را در حفظ حریم عفت و تقوی وامی دارد،

حضرت علی(ع) می فرماید: خداوند این فرشتگان را مامور عبادت خود ساخته، و آنها را گواهان بر بندگان قرار داده، تا بندگان بخاطر ملازمت آنها بیشتر مراقب اطاعت الهی باشند و از گناه نافرمانی او بیشتر پرهیز کنند و چه بسیار بندگان که تصمیم بر گناه می گیرند، سپس به یاد دو فرشته رقیب و عتید می افتند و از گناه خودداری می کنند، می گویند پروردگار، اعمالمان را می بیند و فرشتگان نیز حافظ اعمال ما هستند. به دنبال شاهدان پرونده اعمال انسان پرونده اعمال هم هستند، که فی الجمله اشاره می شود: پیامبر اکرم(ص) در قیامت از دست بعضی امتها شکایت می کند: پروردگارا! امت من قرآن را کنار زدند، یعنی نخواندند، نفهمیدند و عمل نکردند. **فرقان/30**

شکایت قرآن و مسجد: مسجد میگوید: خدایا مرا تعطیل کردند و حقم را تباه نمودند. **وسائل الشیعه/ج3/ص484**

امامان و عترت پیامبر(ص) شکایت می کنند: پروردگارا مردم گنهکار ما را کشتند و

تبعید و آواره نمودند. **وسائل الشیعه، ج3، ص484**

شکایت دانشمندان در میان نادانان و شکایت فرزندان از پدران خود.

دیدگاه مرحوم محمد شفیع درباره موافق

مرحوم محمد شفیع بن محمد صالح ربانی در کتاب خود (مجمع المعارف و مخزن العوارف، ص112) می فرماید: خلائق محشور می شوند بسوی گرفتن نامه های اعمال بدست راست و چپ و در آنجا پانزده موقف است، به اختصار به چند نمونه اشاره می شود.

موقف اول صدقات است و آنچه خداوند در مال لازم و واجب فرموده است، نظیر خمس و زکاه و کفارات و اطعام و صلۀ رحم و دادن به فقرا و...

امام صادق می فرماید:

حق تعالی می فرماید: هر کس از مالش منع کند محتاج را، به خدا سوگند نه از اطعام بهشت خواهد چشید و نه از شراب مختوم، و هر که به سکنای خانه ی او مومنی محتاج باشد و ندهد، حق تعالی می فرماید، ای ملائکه من بنده ی من بر بنده ی من در اسکان او بخل ورزید، قسم به عزت و جلال خودم که هرگز در بهشت من ساکن نخواهد شد.

موقف دوم: سوال از قضاوت های به حق و ناحق است که انسان در دنیا انجام داده و نیز سوال از حلم و عفو از مردم است.

امام باقر (ع) فرمود: خدا را بهشتی است که داخل آن نخواهد شد مگر سه نفر، یکی آنکه به حق حکم کند در خود خصوص عفو از خلق و ترک و عصب و مرأء خصومت که اهم لوازم ایمان و اتم و اعم فضایل اهل جنان است. موقف سوم و چهارم: سوال از امر به معروف و نهی از منکر است، (که در آیات و احادیث اشاره زیادی شده است) امام باقر (ع) می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگ الهی است که همه واجبات با آن برپا می شود و به وسیله آن امنیت برقرار می گردد، کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تامین میشود و در سایه آن آبادانی می آید و از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.

امام صادق (ع) فرمود: اگر مرتکب گناه، آشکارا گناه کند و مردم هم او را سرزنش نکنند، ضرر به خودشان می زند زیرا که با این سکوت دین خدای عزیز را ذلیل می کنند و دشمنان خدا هم از ملکوت او سوء استفاده کرده و به گناه خود ادامه می دهند.

موقف پنجم: سوال از حسن خلق است که آیا صفات و اخلاق نفسانی خود را بر طبق حکم عقل و بر وفق امر شارع انجام داده یا خیر.

رسول خدا (ص) فرمود: خوش خو ناچار در بهشت است و بد خو در جهنم، در میزان عمل هیچ چیز بهتر حسن خلق نیست و اول عملی که در میزان گذاشته خواهد شد، و اکثر امت من بوسیله آن و به وسیله تقوی داخل بهشت می شوند.

موقف ششم: سوال از حب صالحان و بغض فاجران و عاصیان نسبت به حق تعالی است.

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس سرزنش کند مومنی را به چیزی، نمی میرد مگر آنکه به همان بلا دچار شود و به روایت دیگر، خدا او را سرزنش و ملامت نماید در دنیا و آخرت.

موقف هفتم: در این موقف سوال درباره دروغ است.

در حدیث قدسی که خداوند فرمود: به رحمت خود ترسانم هر کس قسم دروغ یاد کند.

موقف هشتم: در این جایگاه سوال از زناست.

رسول خدا (ص) فرمود: زنها حذر کنید از زنا در آن شش عقوبت است سه تا در دنیا و سه تا در آخرت؛ آن سه تا که دردنیاست، برداشتن نورروی و روزی و عمر است و آنکه در آخرت است صعوبت حساب و غضب خداوند جبار و خلود در آتش است.

موقف نهم و دهم: در طوفان عقوبت ربا و هر نوع کار حرام است.

رسول خدا (ص) فرمود: هر که سورا (حرام) خورد، خداوند شکم او را از آتش جهنم به هر اندازه که حرام خورده است بکند، پس اگر انسان مال را از این ممر کسب کندهیج عملی از او قبول نشود و همیشه در لعنت خدا و ملائکه است تا قیامتی از آن باقی است.

در عصر رسول خدا (ص) مردم عربستان به ربا آلوده بودند. تا اینکه از جانب خداوند دستور آمد که این عمل را ترک کند و هر کس به ربا خواری ادامه دهد با خدا و رسول خدا (ص) اعلام جنگ کرده است. ای افرادی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و آنچه از مطالبات ربا باقی مانده رها کنید اگر ایمان دارید. اگر به کار خود ادامه دهید و تسلیم حکم الهی نشوید بدانید یا جنگ و رسول (ص) اوروبرو خواهید بود.

موقف یازدهم: در مورد بهتان است.

رسول خدا (ص) فرمود: حق است بر خدای بهتان زننده را بدهد در روز جزا.

امام صادق (ع) فرمود: هر که بهتان زند به مومن و یا مومنه به چیزی که در او نیست، حق تعالی او را محشور کند در چرک و کثافت فروز زنا کاران تا از عهده گفته خود بیرون آید.

موقف دوازدهم: سوال از بدترین کبائر یعنی فحاشی و بدزبانی است.

امام صادق (ع) فرمود: بدترین و دشمن ترین خلق خدا در روز قیامت بنده ای است که مردم از زبان او ایمن نباشد. بحث زیبای نامه اعمال را با ذکر آیه ای از آیات قرآن خاتمه می دهیم:

هر کس کشت را بخواهد در کشت اومی افزائیم و هر کس کشت دنیا را بخواهد از آن به وی می دهیم. ولی در آن بهره ای برای او نخواهد بود. **شوری/20**

2. حساب

امام علی (ع) فرمود: مسلم بدان که خدا را موقوفی است برای رسیدگی به حساب اعمال بندگان، در آن موقف به تمام اعمال ما که چیزی از آن بر خدا مخفی نیست، رسیدگی خواهد شد. روز قیامت روز حساب و رسیدگی دقیق به اعمال انسان است و کوچکترین عمل از آن اعمال آدمیان از ظاهر و باطن تحت مراقبت شدید خدای عالم السرور الخفیات است.

حساب در لغت به کار گرفتن عدد، یعنی شماره کردن و شمردن آن است. یکی از اسمهای قیامت یوم الحساب است. واژه حساب به صورتهای مختلف 47 بار در قرآن آمده و در 8 مورد خداوند به عنوان سریع الحساب خوانده شده، و در 5 مورد آیه روز قیامت به نام یوم الحساب یاد شده است، و این نام از مشهورترین نامهای قیامت است و اصولاً فلسفه قیامت برای حسابرسی هست.

خداوند می فرماید: واگر آنچه در درون شماست آشکار ویا پنهان کنید، خداوند به حساب آن می رسد. این آیه نشان می دهد که تمام اعمال درونی و برونی مردم خواه روانیک باشد وخواه ن اروا و بد، مورد محاسبه و شمار قرار میگیرند، هیچ عملی، هر قدر کوچک و ناچیز باشد، از قلمرو محاسبه و شمارش بیرون نمی ماند، آن روز بر اثر حساب رسی بدقیق، نیکان از بدان و پاکان از ناپاکان تمیز داده می شوند.

سپس خداوند هشدار می دهد گرچه مردم تا زنده اند از آن غفلت دارند **انبیاء/1**

هشدار تکان دهنده به همه می دهد که حساب مردم به ایشان نزدیک شده با اینحال مردم به کلی از آن غافلند در نتیجه از آن رو گردانند. به عبارت دیگر انسان، حسابگری فوق العاده ای را در پیش دارد اما به خاطر دلبستگی به دنیا از قیامت غافل می شود و همین سبب می شود تا از حقایق اعراض کند و از آیات حق روگردان شود. در این روز خداوند حساب بعضی را سریع و بعضی را بطیئی، برخی را مشکل و بعضی را آسان میگیرد . پس رسیدگی به حساب خلق از جهت سهولت یا سختگیری به اعتبار تفاوت مردم متفاوت است.

چه بسا مردم سرزمینی از فرمان پروردگار و پیامبرش سرپیچی کردند ، ما آنها را سخت مورد حساب قرار دادیم و به عذاب شدید معذب ساختیم، آنگاه به کیفر اعمال زشتشان رسیدند که پایان کارشان زیانبار بود. **طلاق/8-9** بعضی از افراد باایمان و درستکارند که حسابشان به آسانی رسیدگی می شود و خیلی زود از موافق حساب خلاص می گردند، قرآن می فرماید: کسی که نامه عملش بدست راستش داده می شود، حسابش به آسانی انجام می پذیرد. **انشاق/7-8**

و در مقابل می فرماید: افرادی که از روی ظلم به آیات خدا کفر می ورزند و با انکار و تحریف آیات، خاصیت احیا کنندگی مذاهب را از بین می برند خدا سریعاً به حساب آنها رسیدگی می کند چون او سریع الحساب است.

آل عمران/19

تا خداوند هر انسانی را به جزای اعمالش برساند که او حساب مردم را به سرعت رسیدگی می نماید. **ابراهیم/51** و درآیه شریفه قرآن لقمان به پسرش می گوید: پسرم اگر خیر و یا شر بودن عمل شما همسنگ یک دانه خردل باشد و همان عمل بسیار کوچک در دل سنگ بسیار بزرگ و محکمی پنهان شود یا در آسمانها و در شکم زمین مخفی باشد خداوند در روز حساب آن را حاضر خواهد کرد. در این آیه دو مطلب مهم مطرح است:

1) مساله وسعت احاطه و علم و قدرت خدا که بخشی از خدا شناسی است و بیانگر نظم و حسابگری دقیق خدا می باشد.

2) مساله حسابرسی بنده خدا، یعنی او باید به اعمال خود توجه داشته باشد، و همواره به حسابرسی اعمال خود بپردازند و با حسابرسی دقیق، رفتار خوب را با فرمان خدا هماهنگ کنند و بدانند که در دنیا و آخرت، حسابرسی درکار است و روزی او به پای حساب می کشند و او را به نتیجه اعمال خود (از خوب و بد) در دنیا و آخرت خواهد

رسید. در این آیه لقمان با یادآوری عظمت احاطه علمی خدا و عظمت قدرت حسابگری دقیق او، به فرزندش

هشدار می دهد که مراقب اعمال خود باشد و با نظم و حساب دقیق خود را کنترل کند، تا هنگام بروز حسابگری خدا که چهره کامل آن در قیامت آشکار می شود رو سفید باشد.

امام علی (ع) می فرماید: آیا نیست که از نفوس، از هم وزن یک دانه خردل سوال خواهد شد. و در خطبه 102 نهج البلاغه درباره موقف و حساب و دقت در آن می فرماید: قیامت روزی است که خداوند اولین و آخرین را برای رسیدگی دقیق و رسیدن به پاداش کردارشان جمع میکند. همه در حال خضوع به پا خیزند. عرق از سر و رویشان فرو میریزد و اطراف دهانشان را احاطه کرده، لرزش زمین تمام اندامشان را می لرزاند، نیکوترین و خوشحال ترین افراد در آن روز، کسی است که جایی پیدا کند و یا محلی برای ایستادن خود بدست آورد.

امیرالمومنین در نامه ای که به ابن عباس نوشته: آیا نمیترسی در مناقشه در حساب، در حکایتی آمده: شخصی بود نام اوتوبه بن صمه نقل شده که او حساب می کرد نفس خود را در بیشتر اوقات شب و روز خود. پس روزی حساب کرد ایام گذشته عمر خود را، یافت 60 سال از عمرش گذشته است، پس حساب کرد ایام آن را یافت که 21 هزار و پانصد روز می شود، گفت: وای بر من، آیا من ملاقات خواهم کرد مالک را به بیست و یک هزار و پانصد گناه، این را گفت و بیهوش افتاد و در همان بیهوشی وفات کرد. **سفینه البحار، ج 3، ص 218**

روایت شده که وقتی حضرت رسول (ص) فرود آمد به زمین بی گیاهی، پس فرمود به اصحاب خود که بروید هیزم بیاورید، عرض کردند یا رسول الله مادر زمین بی گیاهیم که هیزم در آن یافت نیم شود، فرمود: بیاورید هر کس، هر چه ممکنش میشود، پس هیزم آوردند و ریختند مقابل آن حضرت روی هم، چون هیزمها جمع شد، حضرت فرمود: همین طور جمع میشود گناهان. **اصول کافی، ج 2، ص 288**

معلوم میشود که مقصد آن حضرت از امر فرمودن به آوردن هیزم این بود که اصحاب ملتفت شوند، همین طور که در بیابان خالی از گناه، هیزم به نظر نمی آمد وقتی که در طلب و جستجوی آن شدند، مقداری کثیر هیزم جمع شد و روی هم ریخته شد، بهمین نحو گناه به نظر نمی آید چون جستجو و حساب شود گناهان بسیاری جمع میشود، چنانکه توبه بن صمه برای هر روز عمر خود یک گناه فرض کرد حساب کرد، بیست و یک هزار و پانصد گناه شد. شیخ طوسی از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: اول چیزی که از بنده حساب می کشند، نماز است پس اگر قبول شد، ماسوای آن قبول می شود. **بحار الانوار، ج 7، ص 258**

روایتی از رسول خدا (ص) در مورد موضوع سوالات و محاسبات قیامت:

در روز قیامت بنده، قدم از قدم بر نمی دارد تا اینکه از او درباره 4 چیز سوال شود، از عمرش که در چه چیزی صرفش کرد؟ و از جوابش که آن را چگونه به سر آورد؟ و از مالش که در کجا کسبش کرد، و در چه چیزی خرجش نموده؟ و از محبت ما اهل بیت، **بحار الانوار ج 7 ص 258**

چنانکه در روایت مذکور آمد، مواقف قیامت متعدد است و مسوولیتهایی که مردم در شوون مختلف اعتقادی، اخلاقی، عبادی و عملی دارند بسیار، و هر یک از آنها در موقف مخصوص به خود مورد رسیدگی و پرسش قرار می گیرند، با توجه به حدیث سوال اول و دوم مربوط به ایام جوانی است. با آنکه جوانی، خود قطعه ای از عمر است و با سوال

از ایام عمر، از جوانی نیز قهرا سوال شده است، ولی از اینکه رسول گرامی (ص) در کنار ایام عمر، به طو رجداگانه از جوانی نام برده بخاطر این است که جوانی سر آغاز زندگی اجتماعی است، درستین جوانی، انسانها خویشتن را می سازند، راهی را که در طول زندگی باید بهمینند انتخاب می کنند و شخصیت خود را طبق آنچه گزیده اند پایه گذاری می نمایند. از این رو نسل جوان موظف است جوانی را بسیار مغتنم بشمرد، از آن دوران سرنوشت ساز حداکثر استفاده را برای تعالی و تکامل خویش بنماید و خود در دنیا به حساب آن برسد، پیش از آنکه در قیامت مورد محاسبه فرشتگان قرار گیرد. سوال سوم که در این حدیث آمده مربوط به امور مالی است. در قیامت از شخص مسوول می پرسند که اموال خود را چگونه و از چه راه بدست آورده ای و چگونه و در چه راه صرف نموده ای. می دانیم مساله مال، یکی از ارکان اساسی در زندگی همه انسانهاست و بی گمان قسمتی از خوشبختی و بدبختی های فردی و اجتماعی در سراسر جهان، وابسته به نوع کار و چگونگی درآمد مردم یا مستند با چگونگی هزینه و نوع مصارف آنان است و یا وابسته به هر دو قسمت است. ای اهل ایمان، اموال یکدیگر را از راه معاملات غیر مشروع تصرف نکنید و آنها را به باطل، طعمه خود نسازید. **نساء/29**

امام باقر(ع) نیز چند مورد از اکل با باطل را که در این آیه مورد نظرند بیان فرموده است: ربا، قمار، کم فروشی، و درآمدهای ظالمانه مساله مال از نظر مجاری درآمد و همچنین چگونگی مصرف، سومین سوال که در حدیث پیامبر(ص) آمده و روز قیامت مورد پرسش و بررسی دقیق قرار می گیرد، کسانی که مدیون مردم بوده و مرده اند و پس از مرگشان کسی دین آنان را پرداخت ننموده و بری الذمه نشده اند، در آن روز سخت گرفتار و ناراحتند، زیرا خداوند حقوق مردم را و نمی گذارد بدون تصفیه حساب یا رضایت صاحبان حق از آن نمی گذرند و این حسابرسی دقیق برای کسانی که در دنیا به حقوق دیگران بی اعتنا بوده و مدیون مردمند، بسیار سنگین و طاقت فرسا است. در احادیث هست که موقف حق الناس مشکل تر از مواقف دیگر است. خداوند می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که از هر چه بگذرم از حق مردم نخواهم گشت. سوال چهارم که در حدیث پیامبر(ص) آمده و در قیامت پرسش واقع می شود، حب اهل بیت علیهم السلام است، این خود از امهات مسایل لاعتقادی است و قرآن می فرماید: ای پیامبر به مردم بگو من از شما در امر نبوت انجری نمی خواهم جز مودت ذوی القربی و اهل بیتم. **شوری/23**

زمخشری از علمای بزرگ اها تسنن در ذیل آیه مذکور نقل می کند: زنهار هر که با کینه اهل بیت پیامبر(ص) چشم از جهان فرو بندد بدرستی که کافر از جهان رفته است.

حقیقت حساب چیست؟

مرحوم شیخ صدوق می نویسد: حساب عبارت است از مقابله میان اعمال با اجزای آنها. این که بنده از کارهایی که از اوسرزنده است، آگاه می شود تا برابر بدی هایش توبیخ و در برابر خوبی هایش سپاسگزاری شود و این کار بر اساس استحقاق با او معامله می شود.

صدرالمتاهلین و پیروانش معتقدند هر عقیده و اخلاقی که آدمی داشته باشد و هر عملی که انجام دهد، اثری

در نفس و روح او باقی می‌گذارد که در حال سرگرمی به زندگی مادی این جهان نقش کمتر جلوه ای دارد، اما وقتی که آدمی مرد و قیامت برپا شد، چهره ملکوتی آن صور و ادراکات و نتایج آن عقاید و اعمال، ظاهر می‌شود و نفس آنها را مشاهده می‌کند و همین مشاهده ی صور مترسکه ی نفس، حساب است. آدمی در قیامت آنگاه که حاصل پندارها و کردارها و گفتارها و مقدار نیکوییها و بدی های تمام خلایق به یک باره مشکوف و آشکار می‌گردد و هرکس نتایج عقاید و اعمال خیر و شرش را در صقع روحش می‌بیند، و مشخص می‌گردد که کدام کفه ی عملش ترجیح دارد، این خود نوعی حسابرسی اعمال مدرم و جدا کردن خوبها از بدها است.

روایتی از امام صادق(ع) در مورد حسابرسی اعمال:

اگر حساب را هول و هراسی نبود، مگر شرم و حیایی که از عرضه کردنت اعمال آدمی بر خدای عزوجل به انسان دست می‌دهد و افتضاحی که در نتیجه ی پاره شدن پرده ستاربت و آشکار شدن کارهای پنهانی به بار می‌آید، هر آینه سزاوار بوده که آدمی سربه کوه و بیابان بگذارد و از سرکوهها فرود نیاید و در آبادی جایگزین نشود و نخورد و نیاشامد و به خواب نرود، مگر از روی ناچاری که به تلف شدن برسد. آری کسی که قیامت را به همه ی هولها و سختیهایش در نفسی که می‌کشد مشاهده می‌کند و با چشم دل، ایستادن در پیشگاه خدای جبار را معاینه می‌کند، رفتاری این چنین خواهد داشت و در این وقت است که خود را پای میز حساب می‌کشد و گویی در صحرای قیامت خوانده شده و در میان گرفتاری های آن روز مورد سوال قرار گرفته است.

خدای عزوجل فرماید: اگر به سنگینی یک دانه ی خردل باشد آن را می‌آوریم و کاملاً به حسابش رسیدگی خواهیم کرد و حسابرس آنان خود ما ایم . **انساء/47**

روز حساب، هنگام داوری گواهان و شاهدانی وجود دارد که بر تک تک اعمال انسان مه ر تایید می‌زنند، گواهانی که در صداقت و صحت شهادت آنان تردیدی نیست. این شاهدانت یا خارجی هستند مانند خدای سبحان، پیامبران، فرشتگان زمین یا داخلی هستند مانند اعضا و جوارح از جمله دست و پا و زبان انسان که به فرمان الهی بر زبان انسانت شهادت می‌دهد پوست بدن، چشمها، گوشها شهادت می‌دهند و نیز نامه اعمال و تجسم یافتن علم باهویت اخروی آن بر اعمال انسانت شهادت می‌دهند که آیات و احادیث بر شهادت موارد فوق صحه گذاشته‌است. عالم ربانی مرحوم محمد شفیع بن محمد صالح در کتاب خود مجمع المعارف و مخزن المعارف مواقف کتاب مواقف حساب را توضیح میدهد و اضافه میکند که انسان در 10 مورد از این مواقف بازداشت خواهد شد سوال اول در موقف حساب از محارم الهیه است که خداوند آنها را حرام نموده است، که منظور محارم به طور عموم است.

سوال دوم از هواهای نفسانی خواهد شد و سپس به آیه طامه اشاره میکند: پس چون آید آن واقعه بزرگ، روزی است که آدمی هرچه کرده بیاد آورد و دوزخ آشکار شود، پس هر کس که از حکم خدا سرکش و طاغی شد و برگزیده زندگی دنیا را پس به تحقیق دوزخ جایگاه اوست؛ و هرکس از پیشگاه عزربوبیت بترسد، از حضور خود و هوای نفس دوری جست، همانا بهعشت منزلگاه اوست. **نازعات/35-42**

امام صادق(ع) می فرماید:

نفس را با هوای او مگذارید که خواهش او درهلاک خود اوست و منع نفس از خواهش، دواى اوست.

سوال سوم در این موقف: حق والدین مورد محاسبه قرار می گیرد،

خداوند می فرماید: خدا را بپرستید و برای او شریکی نگیرید و به والدین تان خوبی کنید. **نساء/36**

سوال چهارم، حقوق افرادی که شخص متکفل آنهاست. مانند اهل اولاد.

خودتان و اهل و عیال خودتان را از آتش دوزخ حفظ کنید. **تحریم/6**

سوال پنجم موقف حساب از احسان و خوبی و مسلک نظیر غلام و کنیز و بلکه حیوانات (چهارپایان، مرغ خانگی

و غیره می باشد).

سوال ششم از حق همسایه است. امام باقر(ع) می فرماید: ملعون است کسی که آزار رسانند به همسایه

اگرچه کافر باشد.

سوال هفتم موقف حسیاب: سوال از صله رحم و حقوق ایشان و عقوبت ترک صله رحم است.

امام باقر(ع) می فرماید: در کنار صراط یکی از موقف رحم است و یکی امانت پس کسی که صله ی و اداء امانت

نموده بگذرد بسوی بهشت. ولی اگر کسی خائن و قاطع رحم باشد و بخواهد از صراط بگذرد و در جهنم افتد و

هیچ عبادتی بدون این دو عمل هیچ نفعی به انسان نخواهد رسید.

سوال هشتم: سوال از رذیله حسد است و عقوبتی که در پی دارد.

امام باقر(ع) فرمود: حسد احر ایمان را میخورد همانطور که آتش هیزم را و آفت دین، حسد است.

سوال نهم سوال از مکر یعنی پیمان شکنی و بی وفایی است.

سوال دهم سوال از خدیعه یعنی فریب مسلمانان است. خدعه به کسی جز صاحبش ضرر نمی رساند. **فاطر/43**

امام صادق(ع) فرمود: هر کس در دنیا با فردی دو رو و دو زبان برخورد نماید همین فرد را در قیامت با دو زبان

خواهید دید که در آتش سقوط میکند.

روز جزا 4 گروه را برای حساب رسی در موقف نگاه نمی دارند و کارهای دنیای آنان را مورد بررسی قرار نمیدهند

گروه اول و دوم پیامبران خدا و اولیای خاص او هستند. اینان بدون حساب به بهشت می روند. گروه

سوم و چهارم: مشرکین و ائمه کفر و ظالمانند. اینان بدون حساب به دوزخ میروند، بقیه مردم را از هرصنف گروه که

باشند برای محاسبه نگاه میدارند و پرونده اعمالشان را مورد بررسی قرار میدهند خوبان به پاداش میرسند و بدان

مجازات می شوند. خداوند مهربان در محاسبه ی اهل ایمان ارفاق بسیار دارد، گناهانشان را مشمول عفو خود قرار

میدهد، ولی برای آنکه مراحل حساب آخرت به آسانی طی شود و بررسی اعمال هر چه زودتر پایان یابد، هر

فردی باید در دنیا حساب اعمال خویش را برسد و هر روز پرونده ی آن روز باید بررسی نماید. تا جایی که در

حدیث آمده: کسی که در دنیا حساب نفس خود را بدرستی و از تمام جهات رسیدگی نماید. خداوند در قیامت

او را در معرض حساب رسی قرار نمی دهد. **(کتاب بانصد حدیث، اردستانی)**

نتیجه میگیریم مردم در پیشگاه الهی مسوولند و روز جزاء، روز رسیدگی به مجموع اعمال خوب و بدی است که انسانها در طول زندگی دنیا انجام داده اند. در این روز، خداوند خلق اولین و آخرین رازنده می کند و به آنان حیات تازه می بخشد، ولی حیات به گونه است جدید و با مقرراتی تازه و بی سابقه که قابل مقایسه با قوانین دنیا نیست. در آن روز مردم را در مواقف مختلف نگاه می دارند و از آنان درباره ی حقوق خالق خلق، عقاید و اخلاق، گفتار و رفتار و خلاصه از تمام جهات پرسش می کنند. حتی از اعمال ناروایی که اشخاص نسبت به حیوانات یا اراضی و باغها معمول داشته اند، مواخذه می نمایند.

3. میزان

یکی دیگر از مواقف، توزیع اعمال مردم است. وزن در لغت به معنی شناخت قدر و اندازه اشیاء است و میزان وسیله اندازه گیری آنها نیز متفاوت خواهد بود. تمام وسایل از جهت تعیین مقدار با هم مشترکند و همه آنها میزان خوانده می شوند. کلمه میزان در قرآن کریم 23 بار با تعبیرات و واژه های مختلف، آمده است که اکثر آنها مربوط به میزان روز قیامت است. که این واژه 7 بار در قرآن به لفظ جمع موازین آمده است.

میزان و سنجش اعمال در آن روز حق است هرکس اعمال وزن یاد شده اش گران باشد درستگار می شود. باید توجه داشت هر قدر عملی مشتمل بر حق باشد به همان اندازه دارای ارزش و سنگینی است و از آنجا که اعمال بد مشتمل بر حق نیستند لذا دارای وزنی نیستند، بنابراین فردی که اعمالش سنگین و با ارزش باشد یعنی اهل حق باشد درستگار میشو داما افرادی که اعمالش فاقد حق و در نتیجه سبک باشد، همانهایی که برآیات الهی ظلم کرده و از حق گریزان بودند زیانکار واقعی هستند چون اصل سرمایه خود یعنی هستی خود را هدر داده اند.

اعراف/9-8

عده زیادی از علما عقیده دارند مراد از میزان عمل در عرصه قیامت عدل است، یعنی روز جزای تمام کارهای خوب و بد مردم بر اساس عدل و دادگری سنجیده می شود و هر فردی جزای اعمال خویش را بدون کمترین جور و ظلم دریافت می کند. ما ترازوهای قسط را در روز قیامت نصب می کنیم لذا به هیچکس کمترین ستمی نمی شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل، کار نیک، و بد باشد ما آن را حاضر میکنیم و کافی است که ما حساب کننده باشیم، اگر از قسط به عنوان ترازوها استفاده شد، برای این بود که بفهماند ترازوها عین عدالت است پس نه از پاداش نیکوکاران کم می کند و نه بر مجازات بدکاران می افزاید. انباء/47

در آن روز کسی که وزن شدنیهایش یعنی اعمالش سنگین باشد پس در یک زندگی خوشنود خواهد بود، زندگی که کاملا مورد رضایت او و مقرون به سعادت است، پس اعمال هم مانند هر چیزی برای خود وزن و ارزشی دارد و هر عملی که نزد خداوند قدر و منزلت بیشتر داشته است سنگین تر است و بدیهی است اعمال هر چه سنگین تر باشد، سعادت بیشتری به دنبال می آورند. سبکی و سنگینی هر عملی به اندازه حق بودن آن است بنابراین اعمال که باطل است اصلا وزن ندارد و فردی که تمام اعمالش باطل است اصلا حسابکشی ندارد.

نتیجه آنکه فقط اعمال خیر محاسبه و وزن میشوند. برای تشخیص میزان حقانیت اعمال، آنها را با معیار و میزانهای

مختلفی می سنجند. اما فردی که اعمالش سبک است، پس مقصد او هاویه یا سقوط گاه است. کلمه ام به معنی مقصد کردن است و اگر عرب به مادر ام می گوید بخاطر این است که مقصود و مقصد بچه است. پس آیه می خواهد بگوید که اگر به جهنم سقوط می کند برای این است که یک عمر مقصدش جهنم بوده است. او فرزند این مادر بود و حالا به دامن او برمی گردد. و تو چه می دانی هاویه چیست؟ آتشی است سوزان! در واقع آیه دلالت بر عظمت آتش دوزخ و فوق تصور بودن آن می کند. بیان به گونه ای است که محل سقوط را سقوط کننده معرفی می کند، یعنی شخص گناهکار خودش عین جهنم شده است. **قارعه/11-6**

نکات قابل توجه آیات

1. در این آیات میزان به صیغه ی جمع استعمال شده موازین، پس تنها یک میزان نیست بلکه برای هر کس میزان های مختلف وجود دارد، به عبارت روشن تر، هر عمل انسان، الگو و نمونه استاندارد شده دارد، و با آن مقایسه می گردد. هرچه نسبت به آن ناقص باشد، از وزن و ارزش آن کاسته می شود، و اگر مانند آن، کامل بود، ارزش آن کامل است.

2. انکار آیات خدا، ظلم به آنها بوده و یکی از عوامل سبک شدن میزان عمل است.

3. میزانها متعدد هستند و همه آنها آمیخته با عدل الهی می باشند، یعنی هر چیزی وسیله سنجش خاصی دارد. **امام صادق(ع) می فرماید:** میزانها پیامبران و جانشینان آنها هستند.

در بعضی از زیارتنامه ها از حضرت علی (ع) به عنوان میزان الاعمال یاد میشود. (السلام عليك يا میزان الاعمال) امیر المومنین علی (ع) و امامان از نسل او، همان میزانها هستند. پس حقیقت میزان عدل الهی است.

و پیامبران و امامان نمونه بارز عدل خداست. در اینجا سوالی مطرح است که وقتی آنها خودشان میزان باشند دیگر میزانی برای آنها برپا نمی شود؟

پاسخ برای رفع شبیه این است که اگر قرار باشد آنها هم میزان داشته باشند و آن میزان هم میزان دور تسلسل باطل می آید.

4. در میزان هیچ چیز فروگذار نخواهد شد.

5. حسابگر خداوند است. روشن است که اودر حسابرسی اشتباه نمی کند، و پرونده راتاخیر نمی اندازد، و بسیار سریع و کامل، با سنجش آمیخته با عدل خود، نتیجه اعمال انسان را خواهد داد.

6. پس از برپا شدن قیامت، ترازوهای اعمال نصب شده و در همان وقت، آن ترازوها، انسانهای خوب و بدرا مشخص می نماید.

7. کیفر کسانی که اعمالشان در میزان حقیقت است بسیار سخت است زیرا می فرماید (فامه هاویه) چنان که اشاره شد واژه ام به معنی مادر است، مادر در مشکلات بچه ها، پناه آنهاست ولی در قیامت آنان که اعمالشان خفیف است پناهگاهشان هاویه است که از طبقات دوزخ است و بسیار سوزان می باشد.

امام علی(ع) می فرماید: ای بندگان خداپیش از آنچه سنجیده شوید، خود را سنجیده و قبل از آنکه شما را به پای

حساب برند، حساب خود را برسید. وجود میزان در قیامت، گردنه‌ی هشدار دهنده است و باید کاری کرد که از آن رو سفید بیرون آمد و امروز باید به فکر تنظیم اعمال بر اساس عدل الهی بود و فردا دیر شده است و دیگر برگشت و مهلتی نیست. در بعضی از روایات آمده است حسابرسی هر امتی روز حشر، امام و پیشوای الهی همان امت است و همچنین میزان عدل برای توزین اعمال امتها در عرصه‌ی قیامت، پیامبران خدا و اوصیای آنها هستند.

امام صادق(ع) می فرماید: محاسب هر امت در قیامت امام زمان آن امت است و ائمه علیهم السلام دوستان و دشمنان خود را از چهره‌های آنان می شناسند.

امام باقر (ع) با پدر بزرگوارشان امام سجاد علیهما السلام در نجف اشرف کنار قبر امیرالمومنین آمدند، حضرت باقر (ع) فرمود: پدرم کنار قبر ایستاد و گریست و ضمن سلامهای متعدد این سلام را به حضور جد بزرگوارش تقدیم کرد. <<السلام علی یسوب الایمان و میزان الاعمال و سیف ذی الجلال>>

سنجش عمل از ابعاد مختلف

اعمال مردم از جهات مختلف و با موازین و معیارهای متعدد سنجیده می شود، مثلا نماز، روزه، حج، یک عبادت است، ولی برای تعیین وزن و قدر آن عبادت باید خلوص نماز گزار و همچنین درجات علم و عقل و معرفت و خشوع وی سنجیده شود و خلاصه، نماز با توجه به تمام ابعادش مورد توزیع قرار می گیرد. قوت و ضعف و بود و نبود هر یک از این مزایا در سبکی یا سنگینی میزان عمل و افزایش یا کاهش وزن و قدر نماز موثر است.

خلوص عبادات در قرآن و روایات

بدون شک عبادت زمانی در میزان وزن دارد و زمانی صاحبش می تواند از آن بهره مند شود که با خلوص نیت و پاکی درون انجام شود، ریا و شرک آلوده اش ننماید و غیر خدا در آن شریک نباشد. اوست خداوند حی و زنده، هیچ چیز و هیچ کس جز او شایسته پرستش نیست. در مقام بندگی وی را بخوانید و عبادتش را خلوص و تنزه انجام دهید، حمد و سپاس برای خداوندی است که پروردگار عالمیان است. **عافر/65** خلوص در عبارت این است که فقط خدا باشد و انگیزه‌ای جز خداوند نداشته باشد، خلوص در عمل دارای مراتب و درجاتی است هر قدر خلوص بیشتر باشد، ارزش آن عمل در نزد خدا و در میزان سنگین تر است.

تفاوت درجات خلوص از دیدگاه علی(ع):

گروهی خدا را عبادت می کنند برای نیل به نعمت های الهی در بهشت، این عبادت بازرگانان است، گروهی خدا را عبادت می کنند از ترس عذابش این عبادت غلامان و بردگان است و گروهی خدا را عبادت می کنند برای ادای وظیفه و به منظور شکر گذاری در پیشگاه خداوند این عبادت آزادگان است. **نهج البلاغه/کلمه 237**

مشخص است که بین دو گروه اول نسبت به گروه سوم از جهت خلوص نیت و تنزه عمل، تفاوت، فاصله زیاد است

امام سجاد (ع) در پیشگاه الهی عرض می کند: چه لذت بخش است طعم دوستی تو و چه شیرین است نوش قرب معنوی تو.

علی (ع) خود مثل اعلائی خلوص بود و همه را به خلوصی که مایه‌ی سعادت اخروی است دعوت می نمود.
علی (ع) می فرماید: بارالها تو را عبادت نمی کنم از ترس آتش یا برای طمع بهشت، بلکه تو را شایسته‌ی پرستش یافته‌ام که عبادتت نموده‌ام.

در این زمینه به خاطر ارزش مسئله آیات و مخصوصاً خلوص روایات بسیاری در کتب احادیث هست که از مجموعه آیات و احادیث به دست می آید که از جمله چیزهایی که در موازین قیامت مورد سنجش واقع می شود خلوص است. هر عملی که با خلوص بیشتر انجام گیرد وزن آن در قیامت زیادتیر و سنگین تر خواهد شد و در سنگینی ساختن کفه‌ی میزان صاحب عمل بارعایت درجات خلوص اثر زیادتیری خواهد داشت.

عقل در انجام عبادات

از دیگر اموری که در روز جزا در توزین اعمال نیک و بد مردم اثر می گذارد و وزن عمل را افزایش یا کاهش می دهد درجات عقل صاحب عمل است. و به هر نسبت که عقل نیکوکاران بیشتر باشد وزن اعمال زیادتیر خواهد بود. و به هر نسبت که عقل بدکاران بیشتر باشد، به همان نسبت وزنشان سنگین تر است.

امام باقر (ع) می فرماید: خرده گیری های خداوند در حسابرسی بندگان، در روز جزا، به تناسب مقدار عقل است که در دنیا به آنان اعطاء فرموده. پس به هر نسبت که عقل و درک خوبان و بدان زیادتیر باشد، به همان نسبت اجر خوبان، بهتر و بیشتر و مجازات بدان، سخت تر و فزونتر خواهد بود.

علم و معرفت در انجام عبادات

داشتن آگاهی و بینش نسبت به انجام عبادات در توزین حسنات مردم موثر است عبادات قلبی را که اشخاص عالم انجام می دهند و در درگاه الهی از عبادات بسیار عابدان و زاهدان و غیر عالم و زین تر و در میزان عمل سنگین تر است.

امام صادق (ع) می فرماید: یک رکعت نمازی که فقیه علم به جا می آورد افضل و برتر از هفتاد هزار رکعت نماز عابد است.

اعمال و ارزشهای سنگین کننده میزان

1. ذکر کلمه توحید و تقوی

پیامبر (ص) در ضمن گفتاری در تفسیر **لا اله الا الله** فرمود: این سخن تقوی است که خداوند به وسیله آن، میزانها را در قیامت سنگین می کند. **لنالی الاخبار، ج 5، ص 112**

2. ذکر صلوات

امام صادق (ع) فرمود: در تراوی عمل چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آلش نیست و کسانی هستند که میزان اعمال آنها سبک نشان میدهد. در اینجاصلوات به کمک اورسیده، و میزانش سنگین میشود. **اصول کافی، ج 2/ ص 493**

فضل صلوات

سیخ کلینی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمود: هرگاه ذکر پیغمبر (ص) شود پس بسیار صلوات بر او بفرستید

پس بدرستی که هرکس صلوات بفرستد بر پیامبر(ص) یک مرتبه، صلوات بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات در هزار صف از ملائکه و باقی نماند از مخلوقات الهی چیزی مگر آن که صلوات فرستد بر آن بنده، به جهت صلوات خدا و صلوات ملائکه اش، پس کسی که رغبت نکند در این پس، او جاهلی است مغرور که بیزار است از او خدا و رسول و اهل بیتش

3. شهادت به یکتایی خدا و رسالت محمد(ص)

4. حسن خلق

حکایتی در حسن خلق نقل است که روزی مالک اشتر می گذشت در بازار کوفه، و برتن آن جناب پیراهنی از خام و بر سرش عامه ای از خام بود. یکی از مردان بازاری که او را نمی شناخت به نظر حقارت به او نگاه کرد و از روی استهزاء و استخفاف، ندقه (گلوله گلبن) به جانب آن جانب افکند. مالک از او بگذشت و چیزی به او نگفت، پس به آن مرد گفتند که آیا دانستی که با چه کسی این اهانت و استهزاء نمودی؟ گفت: نه، گفتند: این شخص مالک اشتر یار امیرالمومنین بود. آن مرد را ترس و لرزه گرفت و عقب مالک به رفتن او را دریابد و عذرخواهی نماید مالک را یافت که در مسجد رفته و به نماز ایستاده، چون از نماز فارغ شد آن مرد افتاد به دست و پاهای مالک که بیوسد. مالک فرمود: چه امر است؟ گفت: عذرمی خواهم از آن جسارتی که کرده ام. مالک فرمود: که باکی نیست بر تو، بخدا سوگند که من داخل مسجد نشدم مگر برای آن که استغفار کنم برای تو. بحار الانوار، ج 42/ص 157

(ملاحظه کن که چگونه این مرد از حضرت علی (ع) کسب اخلاق کرده است)

5. اخلاص و خشنودی خداوند

6. تهمت که در مورد انسان زده می شود

7. ولایت و محبت محمد و آلش(ص)

8. حب و عشق علی داشتن

9. فرزندان از دنیا رفته

10. زیارت حرم مطهر حضرت رضا(ع)

کسی که مرا با معرفت در ولایت غربت زیارت کند، در سه جا به فریادش می رسم. در روی پل صراط، در کنار موقف میزان، هنگام پرواز نامه های اعمال.

کارهایی که موجب سبکی میزان می شود

تمام گناهان و لغزشها موجب سبکی ترازوی اعمال می شود.

خداوند می فرماید: اعمال کافران، حیط و پوچ است، از این رو میزان آنها خال است و برای آنها میزانی نصب نخواهد شد. کهف/105

امام باقر(ع) می فرماید:

کسی که ظاهرش برتر از باطنش باشد ترازوی عملش در قیامت، سبک خواهد بود. نور الثقلین/ج 5/ص 66

مراد از حقیقت میزان و آنچه سنجیده می شود(از دیدگاه مفسرین)

مفسرین و دانشمندان اسلامی در این باره نظرهای گوناگونی دارند، برخی آن چه را که سنجیده میشود، در عمل و بعضی صحیفه عمل و گروهی نیز عمل تجسمی یافته می دانند و میزان را عدل یاب راهین عقلی و معارف حقه ی الهی دانسته اند.

شیخ مفید درباره حقیقت میزان می نویسد: منظور از میزان، برقراری عدلات بین کردار مردم و پاداش اعمال آنان و نهادن هر جزائی در جای خود و رساندن هر حقی به صاحب آن است. شرح عقاید صدوق / شیخ مفید / ص 93

نظرو دیدگاه علامه طباطبائی

حسنات، مطابق با حق است، سنگین است و سیئات مطابق با باطل است، سبک می باشد، نتیجه این که خداوند اعمال انسان را در قیامت، با حق می سنجد، هر قدر که عمل آمیخته با حق باشد، وزن آن به همان اندازه افزون است، و هر قدر که از حق جدا باشد وزن آن به همان اندازه کاهش می یابد و انسانهای کامل (پیامبران و امامان) بر این اساس میزان هستند. تفسیر میزان / ج 6 / ص 10-11

یکی از جاهای سخت و هولناک قیامت، پل صراط و عبور از آن است. صراط در لغت به معنی راه است و در اصطلاح ما، راهی است که بر فراز دوزخ به سوی بهشت، صراط یعنی پلی که بر روی دوزخ کشیده شده، و همگان باید از آن بگذرند و گاهی در روایات از آن به مرصاد تعبیر میشود.

واژه صراط بیش از 40 بار در قرآن آمده و غالباً با کلمه مستقیم توصیف شده است.

مانند، (خدایا ما را به راه راست هدایت فرما. حمد / 6)

صراط مستقیم در قرآن همان دین اسلام است بطور کامل همراه با ولایت امیرالمومنین علی (ع) و امامان معصوم از ذریه او است و گاهی هم منظور از صراط، صراط شیطان و گمراهی است، بنابراین یک عبارت صراط بر 2 گونه است: صراط مستقیم و صراط غیرمستقیم.

عالم بزرگ شیخ مفید با توجه به روایات و معنی لغوی درباره صراط چنین میگوید: صراط در لغت یعنی راه، از این رو یکی از نامهای دین، صراط است، زیرا در این راهی بسوی پاداش الهی است و نیز به ولایت امیرالمومنین علی (ع) و امامان معصوم (ع) از ذریه آن حضرت صراط گویند. چنان که علی (ع) فرمود من راه مستقیم خدا و دستگیره ی محکم و ناگسستنی خدا هستم.

در روایات آمده: در روز قیامت، طریق به سوی بهشت مانند پلی است که مردم از آن عبور می کنند، آن پل همان صراط است که پیامبر (ص) در طرف راست آن و علی (ع) در جانب چپ آن می ایستند، از سوی خداوند به آنها ندا می شود: هر کافر متکبر لجوج را در جهنم افکنید.

در رسیدن به کمال سعادت و ورود به بهشت، باید از پلی که بر روی جهنم بسوی بهشت کشیده شده عبور کرد. گذاشتن از این پل بسیار دشوار است، چرا که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است، برخی همانند برق از آن می گذرند و برخی به سرعت از روی آن می دوند، گروهی نیز افتان و خیزان و جمعی چهار دست و پا، و برخی دیگر به آن آویزانند در حالیکه آتش، قسمتی از بدنشان را فرا گرفته و با سختی و عذاب از آن می گذرند.

هر که از پل بگذرد خندان بود / زیر پل منزلگه رندان بود

صراط تکوینی و صراط تشریحی

هر یک از موجودات جهان خواه جماد باشد یا گیاه یا حیوان و یا انسان راهی دارد که اگر آن را بییماید به کمال در خورش خواهد رسید، این راه را صراط تکوینی نامند، که عبارت است از مجموعه قوانین که به امر خدای سبحان بر پدیده حاکم می باشد، که اگر از آن تخلف کند نابود خواهد شد. صراط تشریحی ویژه انسان است، یعنی همان قوانین و احکام شرعی که خداوند برای مردم قرار داده و بدان هدایتشان نموده است، مردم در قبال این راه در دو دسته می شوند. گروهی شکر گزار و گروهی ناسپاس.

قرآن میفرماید: ما راه را به او نشان داده ایم یا سپاسگزار باشید یا ناسپاس. **دهر/3**

به پروردگارت سوگند، آنها را با شیطانها گرد می آوریم، آنگاه همه را در اطراف جهنم به زانو می نشانیم...

و هیچ یک از شما نیست که وارد جهنم نشود و این حکمی است حتمی از جانب پروردگار. **مریم/68 و 71**

شخصی از جابرین عبدالله انصاری(ره) درباره این آیه سوال کرد، جابر بادوانگشت اشاره به گوش خود کرد و گفت: با این دو گوش خود مطلبی از پیامبر اسلام(ص) شنیدم که اگر دروغ بگویم هر دو ی آنکه باد! حضرت فرمود: ورود، در آیه به دخول است، ورود به همان عبور از صراط است. هیچ نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه داخل جهنم میشود، در آن حال آتش در ورود مومنان سرد و سالم خواهد شد همانگونه که بر حضرت ابراهیم (ع) سرد و سلامت شد تا آنجا که آتش از شدت سردی فریاد می زند. سپس خداوند متعال پرهیزکاران را رهایی بخشیده و ظالمان را ذلیلان در آن رها می کند. **مجمع البیان/ج9**

باتوجه به آیه مزبور چرا بهشتیان هم باید از روی بل صراط و جهنم بگذرند؟

فلسفه ی این کار مشاهده ی دوزخ و عذابهای آن است و همین باعث می شود که بهشتیان با مقایسه نعمتهای بهشت با عذابهای دوزخ، حداکثر ذلت را ببرند، چرا که قدرت عافیت را آن کسی می داند که گرفتار مصیبت شده باشد چنانچه گفته اند: هر چیزی را با توجه به ض دآن می توان بهتر شناخت. علامه طبرسی می نویسد: طبق بعضی از روایات: خداوند هیچ کس را به بهشت نمی برد، مگر آنکه او را بر آتش دوزخ مشرف و آگاه می سازد، تا قدر نعمتها و فضل خدا را نسبی خود بداند. و نشاط و شادی او بیشتر شود، و همچنین احدی را دوزخ نمی برد، مگر آنکه نعمتهای بهشت را به او نشان می دهد، تا بیشتر بسوزد و از فراق آنها حسرت ببرد. **تفسیر مجمع البیان/ج6/ص526**

رسول خدا(ص) فرمود: بر روی جهنم پلی قرار دارد که از موباریکتر و از شمشیر تیزتر است.

امام صادق(ع) فرمود: صراط باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر است.

منظور از باریکتر و تیز بودن بل صراط

نظراول: مرحوم شیخ مفید می گوید: نگرانی و ترس و وحشتی که در قیامت به کافران دست می دهد، آنان را مضطرب می کند، گویا که بر پلی عبور میکنند که از مو، باریکتر و از شمشیر برنده تر است و قدرت ماندن روئی آن

را ندارد و این یک مثالی است برای نشان دادن شدت پریشانی حال کافران در قیامت هنگام عبور از پل صراط و ممکن است کنایه از راه کج و معوج باشد.

نظر دوم: یعنی این پل خطا نمی کند، باریک بین و قاطع است، با نظر دقیق و حساب شده وبدون سهل انگاری و چشم پوشی، هر کس رامطابق ایمان و عملش ،حرکت می دهد.

نظر سوم: تفاوت عرض پل صراط به اندازه تفاوت ایمان افراد است هرچه ایمان مومنان قویتر باشد. عرض پل هم بیشتر میشود.

خداوند می فرماید: قطعاً پروردگار تودر کمینگاه است.

دوزخ کمینگاهی بزرگ است و محل بازگشت برای طغیان گران می باشد.

واژه مرصاد در اصل از رصده معنای آن محلی است که در آنجا به کمین بنشینند و منتظر رسیدن شکار و یا دشمن باشند، و بر مرصاد بودن خدای تعالی با این که او منزّه است از نشستن در مکان، کنایه ای است تمثیلی، که میخواهد بفهماند خدای تعالی مراقب اعمال بندگانش است، همانطور که انسان در کمین نشسته نشسته مراقب حرکات و سکنات دشمن خویش است، و منتظر است تا او را دستگیر کند و یا به قتل برساند، و خود او هیچ خیر ندارد از اینکه دشمنش در صدد دستگیری و یا کشتن اوست، خدای سبحان هم مراقب اعمال بندگان خویش است همین که طغیان کردند و فساد را گسترش دادند ایشان را به شدیدترین وجهی عذاب می کند.

توضیح آیه از زبان روایت

پیامبر (ص) فرمود: روح الامین به من خبر داد، در آن هنگام که خداوند یکتا، همه انسانها را از پیشینیان و آیندگان را به صحنه ی قیامت آورد و صراط را که باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر است. بر روی آن می نهد، و بر صراط سه ایستگاه و گذرگاه (پل) قرار دارد، امانت و درستکاری و رحمت و محبت است و بر پل دوم، نماز و بر پل سوم، عدل پروردگار جهان است، و به مردم دستور داده میشود که از آن پل بگذرند، آنها که در امانت و پیوند با خویشان کوتاهی کرده باشند، در پل دوم می مانند، و اگر از آن بگذرند، در پایان مسیر در برابر عدل الهی قرار می گیرند و این است معنی

(ان ربك لبالمرصاد) **الروضة الكافی/ص312**

امام صادق(ع) در مورد این آیه می فرماید: مرصاد پلی است بر طریقی که از روی دوزخ می گذرد، کسی که حق مظلومی بر گردن او باشد، از آنجا نخواهد گذشت.

امام علی(ع) نیز می فرماید: اگر خداوند ستمگر را مهلت دهد هرگز اواز دست عدالت و قدرت خدا نتواند گریخت، و از هراهی که بگریزد در کمین است.

از این احادیث میتوان فهمید که: 1. مرصاد همان پل صراط است. 2. مرصاد همان گذرگاههای مخصوصی بر روی صراط برای بازرسی عابران میباشد و مانع از عبور افراد نالایق است.

و اگر بخواهیم چشمان آنها را محو می کنیم. سپس برای عبور از راه می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می توانند ببینند. **بس/66**

صراط در این آیه به معنی حق و دین و مربوط به دنیا است، ولی جمعاً از مفسران احتمال داده اند که این آیه ناظر به پل صراط روز قیامت باشد، که مجرمان و کافران بر روی آن عبور می کنند، خداوند چشمان آنان را همان گونه که در دنیا نسبت به حقایق نابینا بود نابینا و محو می کند، بطوری که هر قدر تلاش کنند نمی توانند از پل صراط بگذرند، در نتیجه به دوزخ سقوط می کنند، ممکن است هر دو معنی از آیه فهمیده شود.

پیامبر (ص) از حبرئیل پرسید: امت من چگونه از پل صراط می گذرند؟ حبرئیل بسوی آسمان رفت، سپس بازگشت و گفت: خداوند متعال به تو سلام می رساند و می فرماید، تو به نور من از صراط عبور می کنی و علی (ع) در پرتو نور تو، که نورات از نور تو است، از پل صراط میگذرند، و کسی که خداوند در ارتباط با علی (ع) نوری را برای او قرار نداده، دیگر نوری نخواهد داشت تا در شعاع روشنی آن نور از پل صراط بگذرد.

احادیث بیانگر آن است که آن که از نور معنویت و ولایت محروم هستند، همچون نابینا و کور نمی توانند از پل صراط بگذرند.

پیامبر (ص) فرمودند: هنگامی که مومن از روی پل صراط عبور می کند، زبانه ی آتش دوزخ خاموش گردد، و آتش به او می گوید: ای انسان با ایمان، عبور کن، چرا که نور توشعله ی مرا خاموش ساخت.

به یاد آورید روزی را (قیامت) که هر گروهی را با امامشان فرا میخوانیم. **اسری/71**

سعد بن جبیر روایت می کند که عبدالله بن عباس آیه فوق را خواند، آنگاه گفت: هنگامی که روز قیامت برپا میشود، خداوند متعال امامان راستین مانند: علی (ع) و حسن و حسین (ع) را فراخوانده و به آنها میفرماید: شما و شیعیان تا از پل صراط عبور کنید، و بدون حساب وارد بهشت شوید.

سپس امامان گمراهی را می طلبد و به آنها میفرماید: دست شیعیان و پیروان خود را بگیرید و بی حساب بسوی دوزخ ببرید.

به فرشتگان فرمان داده می شود که ظالمان و هم مسکلان آنها و آنچه را می پرستند، همه را جمع کنید، و آنها را متوقف سازید که باید باز خواست گردند. **صافات/23 و 24**

خطاب میرسد این کفار را نگاه دارید، گویند در کنار صراط باید مورد سوال قرار بگیرند، در مورد این سوال که چیست مختلف نقل شده، بعضی گفتند: از قول **لا اله الا الله** از آنها سوال میشود و بعضی گفتند که از ولایت علی (ع) از آنها سوال میشود، و بر وجه تویخ و سرزنش به آنها گویند چرا از یکدیگر دفع عذاب نمی کنید؟ شما در دنیا از معبودان خود کمک می گرفتید، و آنان را واسطه قرار می دادید، امروز که روز دادرسی است همگی تسلیم عذاب شدید و قدرت کمک کردن به یکدیگر را ندارید تا شاید از عذاب نجات پیدا کنید و یا سوال می شود، از آنها که چرا در اطاعت خداوند استکبار نمودید و یا از هر حقی که اعراض کرده باشند در دنیا (از اعتقادات یا اعمال) سوال میشود.

پیامبر اکرم (ص) در تفسیر این آیه از سوره مبارکه صافات می فرماید: هنگامیکه روز قیامت میشود و پل صراط بر روی دوزخ نصب می گردد، هیچکس نمیتواند از روی آن بگذرد، مگر اینکه جواز و گذرنامه ای در دست داشته باشد که در آن ولایت حضرت علی (ع) باشد، و این همان است که خداوند می فرماید: آنها را متوقف سازید که باید از

آنها بازپرسی شود.

آدمی باید آنکه در دنیا راه حق و عدل بشناسد و صراط سعادت را تشخیص دهد، به معلمی واقع بین و آگاه نیاز دارد که از او پیروی کند و در پرتو بهره گیری از گفتار و رفتار او، راه را از بیراهه و هدایت را از ضلالت تمیز دهد. خداوند می فرماید: و تو ای پیامبر گرامی، بی گمان مردم را به صراط مستقیم رهبری می نمای، صراط خداوندی که مالک واقعی تمام موجودات زمین و آسمانهاست. **شوری/52 و 53**

با توجه به آیه می بینیم این معلم شایسته و راهنمای مطمئن کسی جز پیامبر اسلام و وصی برحق اونیست. **امام صادق(ع) فرموده است:** صراط مستقیم، حضرت علی بن ابیطالب امیرالمومنین(ع) است.

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (ع) درباره صراط پرسش نمودم، فرمود، صراط راه شناخت خداوند است. و آن دو صراط است، یکی صراطی است در دنیا و آن دیگر صراطی است در آخرت اما صراط دنیا امامی است که از طرف خداوند تعالی اطاعتش بر مردم واجب شده است.

کسی که اوبشناسد، به وی اقتدا کند و عملا از هدایتش پیروی نماید، از صراط قیامت که پلی است روی جهنم به سلامت می گذرد و کسی که امام را در دنیا نشناسد، قدمش در صراط آخرت می لغزد و در آتش دوزخ سقوط می کند.

پس افراد با ایمان که در دنیا صراط مستقیم را بدرستی پیموده و مقررات دینی را در جمع شوون رعایت نموده اند از صراط قیامت به سلامت میگذرند.

طول صراط

عبدالله بن سلام از پیامبر (ص) پرسید: طول صراط چقدر است؟ آن حضرت فرمود: به اندازه ی سی هزار سال مسیر راه می باشد.

ایستگاههای روی پل صراط

از آیات و روایات بدست می آید روی پل صراط ، عقبات و ایستگاههای مختلفی وجود دارد که مردم را در آن مواقف نگه می دارند و در مورد بعضی از اوامر و نواهی و تکالیف الهی از آنها پرسش می کنند که اگر پاسخ قانع کننده ی ارائه کردند به آنها اجازه عبور میدهند تا وارد بهشت شده، در جوار رحمت الهی با انبیاء، اولیاء، شهدا ، صدیقین و صالحین جاودانه زندگی کنند، و اگر جواب قانع کننده اینداشتند و رحمت و لطف الهی نیز شامل حالشان نگردید به جهنم سقوط خواهد کرد.

ابن عباس ذیل آیه مبارکه <<ان ربک لبالمرصاد فجر/14>> نقل میکند که: بر روی پل صراط هفت ایستگاه وجود دارد که مردم را در آنچه نه می دارند از آنها پرسش میشود:

1/ سوال می شود از شهادت بر وحدانیت خدا که اگر اهل توحید بود اجازه عبور میدهند.

2/ از نماز می پرسند، که اگر اهل نماز بود اجازه عبور می دهند.

3/ از زکاه می پرسند که اگر اهل زکاه بودند اجازه عبور می دهند.

4/ از روزه می پرسند که اگر اهل روزه بود اجازه عبور می دهند.

5/ از حج می پرسند که اگر اهل حج بود اجازه عبور می دهند.

6/ از عمره می پرسند که اگر اهل عمره بود اجازه عبور می دهند.

7/ از مظالم و ستمهایی که بر دیگران روا داشته و حقوقی که از دیگران تضییع کرده پرسش میشود که اگر توانست پاسخ قانع کننده ی بدهد اجازه عبور می دهند وگرنه دستور توقف می دهند.

از امام صادق (ع) در تفسیر آیه 14 سوره 89 به این نکته بیشتر اشاره کرده: پروردگار تو در کمینگاه است. اعمال واقوال مردم را می بیند و می شنود.

امام صادق(ع) در تفسیر این آیه فرموده: مرصاد، قنطره ای است در صراط که هیچ بنده ای که ذمه اش به مظلمه دیگران مشغول باشد از آن نمیگذرد. و در جای دیگر می فرماید: کسی که حق مسلمانی را حبس نماید و مانع آن گردد که صاحب حق به حقش دست یابد وارد بهشت نمی شود. و اگر از این ایستگاه هفتم عبور کرد از کارهای مستحبی و شایسته ای که داشت سوال میکنند و اعمالش را بدان وسیله تکمیل و ترمیم می کنند، و وقتی که از همه ی اینها فراغت یافت، آنگاه اجازه ورود به بهشتش میدهند.

آیت الله دستغیب (ره) در رابطه با عقبات صراط بیان می کند: صراط پلی است روی جهنم که همه باید از آن پل عبور کنند هیچ چاره ای نیست و استثناء هم ندارد، چه بهشتی و چه جهنمی همه باید از این راه بگذرند که از قول پیامبر(ص) این راه هفت عقبه و در هر عقبه هفتاد هزار ملک مامورند و همه باید از این هفت عقبه رد شوند.

عقبه اول-الرحم والامنه والولایه

اول پل جلوت را می گیرند، کسی که از ارحام(پدر، مادر، برادر، خواهر...) قطع رحم کرده و در اولین موقف حساب باز خواست می شود. چنانکه در آیه ی سوره نساء آمده: و اتقوا الله الذی تساء لون به والارحام.

پس اگر یکی از ارحام شما مریض شد عیادتش کنید اگر محتاج است دستگیرش کنید، حاجتی دارد انجام دهید در اوقات لازمه از او دیدن کنید.

پیامبر (ص) می فرماید: دو نرده و دیوار نگهدارنده از سقوط در دو طرف پل صراط دو خصلت امانتداری و صله رحم است آن کس که صله رحم می کند و امانت را رعایت می نماید، از صراط به سوی بهشت عبور میکند و آن کس که قطع رحم نموده و به امانت خیانت کند، با وجود این دو خصلت، هیچ عمل نیکی در پل صراط نجات بخش نیست و پل صراط او را به درون دوزخ بیفکند.

پیامبر (ص) در مورد رابطه ولایت با گذر از پل صراط فرمود: برای هر چیز جوازی عبور هست، و جواز عبور از پل صراط دوستی علی پسر ابوطالب (ع) است.

و نیز فرمودند: هیچ کس بر پل صراط عبور نکند مگر اینکه برائت ولایت علی (ع) و ولایت خاندان او را داشته باشد، آن حضرت بر بهشت اشرف دارد و دوستانش را وارد بهشت می کند و دشمنانش را وارد دوزخ می نماید.

یکی از صحابه پیامبر(ص) پرسید منظور از برائت علی(ع) چیست؟ پیامبر فرمود: اعتقاد به یکتایی خدا، و رسالت محمد(ص) و ولایت امامت علی(ع) می باشد.

و همچنین می فرماید: خداوند علی(ع) را در قیامت بر روی پل صراط، می نشاند و آنگاه آن حضرت دوستانش را روانه بهشت و دشمنانش را روانه دوزخ می کند.

عقبه دوم-الصواہ

رسول خدا(ص) می فرماید: به شفاعت من نمی رسد کسی که نماز را ضایع کند.

و نیز فرمود: هنگامی که روز قیامت برپا می شود، نماز انسان موجب جواز عبور از پل صراط، و کلید بهشت میگردد. یکی از عوامل عبور سرافرازانه از پل صراط شرکت در نماز جماعت است.

پیامبر(ص) فرمود: کسی که مراقب برای شرکت در نماز جماعت آن گونه که هست باشد، روز قیامت در روی پل صراط همانند برق درخشند در میان نخستین گروه پیشگامان به سوی بهشت می گذرد، در حالیکه چهره اش از ماه شب چهارده تابان تر است.

امام صادق(ع) فرمود: نخستین چیزی که از بنده سوال می شود نماز است. اگر پذیرفته شود اعمال دیگر نیز، پذیرفته خواهد شد و چنانچه پذیرفته نشود، دیگر اعمال نیز قبول نخواهد شد.

اگر بنده از این مواقف به سلامت گذشته، در مواقف دیگر کارش آسان خواهد بود و چون در این مواقف درماند به دوزخش افکنند.

امام صادق(ع) هنگام رحلت همه نزدیکان را خواست و موضوع مهمی را با آنان در میان گذاشت و فرمود:

شفاعت ما اهل بیت، شامل کسی که نماز را سبک بشمارد نمیشود. و وارد نمیشود بر ما در حوض(نه به خدا).

عقبه سوم-الخمس والزکاه

امام صادق(ع) فرمودند: سخت ترین حالات مردم در قیامت وقتی است که مستحقین خمس برخیزند و مطالبه حق خود را از کسانی که به آنها نرسانیدند بنمایند و بس است در سختی آنکه کسانی که باید از او شفاعت کنند خصمی او باشند.

قرآن کریم در بسیاری موارد، بعد از برداشتن نماز بر واجب بودن پرداخت زکاه تاکید کرده است. درباره مصرف زکاه می فرماید: همانا صداقت (زکات) برای نیازمندان و درماندگان و کارکنان گرد آوری آن و تالیف قلبها و آزاد کردن بردگان و غرامت دیدگان و در راه خدا و در راه ماندگان است و این فرضیه ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است. توبه/60

خمس هم یکی از مالیاتهای اسلام است که به هفت چیز تعلق می گیرد که رایج ترین آنها منفعت کسب و کار است. همه کسانی که از طریق کار درآمدی کسب می کنند، پس از برداشت هزینه های سالانه زندگی خود و خانواده باید یک پنجم آنچه را باقی مانده به عنوان خمس بپردازند.

قرآن کریم می فرماید: بدانید هرچه به دست آورید یک پنجم آن برای خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و درماندگان

و در راه ماندگان است. انفال/41

عقبه چهارم- الصوم

روزه سبیری است مقابل آتش.

امام صادق (ع) می فرماید : روزه دار دو خوشی دارد یکی هنگام افطار که یک فرح خاصی دارد و دوم خوشحالی عند لقاء الله ساعتی که می خواهد از صراط رد شود و به لقاء پروردگارش برسد.

پیامبر(ص) فرمود: وقتی که سی روز ماه مبارک رمضان را به طور کامل روزه گرفتی؛ خداوند متعال برای شما دوری از آتش دوزخ و تذکره جواز عبور از پل صراط را ثبت میکند.

عقبه پنجم- الحج

اگر کسی در عمرش شرایط استطاعت در او جمع باشد و حج نرفت در این موقف نگهش می دارند و به آن هنگام مرگ گفته می شود بر مرگ یهودیت یا نصرانیت مردی.

عقبه ششم- الطهاره

منظور طهارت ثلاث (وضو، غسل و تیمم) است که اگر کسی اینها را انجام نداده یا بد انجام داده باشد مسوول و در نتیجه مورد عقوبت است.

پیامبر(ص) فرمود: وضوی خود را به طور کامل انجام بده که اگر چنین کنی از پل صراط همانند عبور ابر می گذری.

عقبه هفتم- مظالم

تعبیر مظالم گاهی به عقبه عدل و گاهی حق الناس هم گفته میشود، و در قرآن کریم به مرصاد تعبیر شده است که آیت الله دستغیب در توضیح آن فرمود: اگر به جا به کسی سیلی زده باشد، پانصد سال آنجا نگهش می دارند و برای سیلی ناحقی که زده و استخوانهایش را خورد می کنند.

داستانی پیرامون صراط

علامه نحریرسید علی بن سید عبدالکریم نیلی از پدرش نقل می کند که گفت: در روستای نیله شخصی متولی مسجد آنجا بود، روزی از خانه بیرون نیامد، علت پرسیدند، عذرخواهی کرد، پس از تحقیق، دریافتند که بدنش سوخته و از شدت درد به خود می پیچید، از سبب آن پرسیدند، گفت: در عالم خواب دیدم قیامت برپا شده است و ناله مردم بلند است و بعضی را بسوی آتش روانه می کنند و مرا بسوی بهشت راهنمایی کرده اند، کنار پل صراط آورده اند و از آنجا به قصد بهشت حرکت کردم، در آغاز عرض و طول پل، بزرگ و وسیع بود، ولی هرچه جلو می رفتم عرضش کم و طولش بسیار می شد. تا به جایی رسیدم که باریک شده، و تیزی آن مانند تیزی شمشیر می گشت، در آنجا یک وادی پر از آتش را دیدم که زبانه می کشید. تعادلم به هم خورد و سرانجام آتش بر من زور شد و مرا به سوی خود کشید، هرچه کردم نتوانستم نجات پیدا کنم، در این هنگام نام علی(ع) به دلم افتاد، صدا زدم: **یا علی!** ناگاه دیدم مردی در کنار وادی آتش ایستاده! به من فرمود دستت را به من بده، دستم را کشیدم، آن حضرت دستم را گرفت و مرا از آنجا نجات داد ناگاه از خواب بیدار شدم همه بدنم سوخته، جز آنجاها که امام علی(ع) دست مرحمت به

آن کشیدند که خوب شده است. آن متولی حدود سه ماه، بدن سوخته خود را مداوا نمود تا خوب شد. اقتباس از کتاب
منازل الاخره

عوامل باری دهنده برای گذشتن از پل صراط

1. پذیرش امامت و ولایت حضرت علی(ع)

در عقبه ولایت به این مورد اشاره شد ولی اهمیت موضوع آنچنان زیاد است که تکرار مطلب خوشایند می باشد، در حدیث دیگری پیامبر (ص) در شان علی(ع) فرمود: خداوند علی(ع) را در قیامت بر روی پل صراط می نشاند، آنگاه که حضرت، دوستانش را روانه بهشت و دشمنانش را روانه دوزخ می کند. و نیز پیامبر(ص) فرمود: آگاه باشید کسی که علی را دوست بدارد، مانند برق وخیره کننده، از پل صراط گذر می نماید. بحار الانوار/ج68/ص125

2. خواندن نماز

در کتابهای اقبال از سید بن طاووس نقل شده: در شب اول ماه رجب، بعد از نماز مغرب، بیست رکعت نماز بخوان، پاداش آن این است که موجب حفظ خود و اهل و مال و فرزندان شده و عامل رفع عذاب قبر، و عبور همانند برق و بی حساب از پل صراط می گردد.

3. روزه گرفتن

پیامبر(ص) فرمود: کسی که هفده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، در روز قیامت، برای او هفتاد هزار چراغ تابان نور بر روی پل صراط نهاده می شود، تا در پرتو نور آنها از صراط به سوی بهشت عبور کند، در حالی که فرشتگان بسیار با سلام و خوش آمد گویی، او را به سوی بهشت بدرقه نمایند.

4. تلاوت و قرائت قرآن کریم و کتاب آسمانی

حضرت موسی(ع) در ضمن مناجات و گفتگو با خدا، عرض کرد که پاداش کسیکه حکمت (تورات) را پنهان و آشکار، تلاوت کند چیست؟ خداوند در پاسخ فرمود: چنین کسی که تلاوت آیات الهی می کند مانند برق بر روی پل صراط می گذرد.

5. کارهای نیک و اعمال حسنه

کسی که در دنیا کارهای نیک انجام دهد، (روز قیامت) بر روی پل صراط بسوی بدون استنداز، عبور می نماید.

6. وضوی کامل و صحیح

پیامبر اکرم(ص) فرمود: هنگامی که مومن در وضو، پاهای خود را مسح می کند، خداوند جواز عبور از پل صراط را در روزی که قدمها بر روی آن می لغزند، به او خواهد داد.

7. گفتن نیاز نیازمندان به مسولین آنها

کسی که خبر نیاز نیازمند و محتاجی را که توانایی ابلاغ آن را به رئیس خود ندارد و به آن ابلاغ کند، خداوند گامهایش را در روز قیامت روی پل صراط ثابت و استوار می سازد.

8. احیاء نگه داشتن شب 23 ماه رمضان

امام باقر (ع) در مورد عبادت این شب فرمود: دوری از آتش دوزخ، و تذکره ی جواز به روی پل صراط را برای او تعیین می کند.

9. اخلاق حسنه داشتن

پیامبر (ص) فرمود: ای مردم کسی که از شما در این ماه رمضان، اخلاق خود را نیک گرداند، پاداش او گذرنامه جواز از پل صراط خواهد بود، در آن روزی که گامها روی آن پل صراط می لغزد. و در احادیث به موارد دیگری چون دوستی خاندان و یاران پیامبر (ص) پاداش امام حسین (ع) و امام رضا (ع) صله ی رحم، امانتداری، اثرصدای بلند در نمازهای جهری، شیعه علی (ع) بودن، پرستاری از بیمار، عیادت بیمار، کار و تحصیل، و به موارد دیگر که ذکر آنها سبب اطاله ی کلام می شود.

اشاره مختصر به شفاعت گسترده ی فاطمه (ع) بر روی پل صراط

پیامبر (ص) فرمود: وقتی که روز قیامت می شود، خداوند متعال همه ی خلائق از پیشینیان و آیندگان را جمع کند، و از زیر عرش منادی حق چنین فریاد می زند: هان ای مردم! چشمهای خود را فرو خوابانید، تا فاطمه (ع) دختر محمد (ص) سیده ی بانوان دوجهان بر روی پل صراط عبور کند. همه خلائق چشمها را فرو خوابانند جز محمد و علی و حسن و حسین (ع)، و فرزندان پاک از نسل آنها که با حضرت زهرا (ع) محرم هستند، فاطمه (ع) از روی پل صراط عبور کند تا اینکه وارد بهشت می شود، چادر او بر روی پل صراط کشیده می شود، یک طرف آن در دست فاطمه در بهشت است، و طرف دیگر آن در عرصه های محشر قرار دارد، منادی پروردگار چنین ندا میکند: ای دوستان فاطمه (ع) به گوشه های این چادر، بدست آویزید، بیش از هزار فئام و هزار فئام دست خود را به گوشه های آن چادر بیاویزید، که هر یک فئام معادل هزار هزار (یک میلیون) می باشد، و به این ترتیب آنها از پل صراط بگذرند و از آتش دوزخ نجات یابند.

امام علی (ع) فرمود:

بارالها قدم مرا در صراط استوار فرما در روزی که قدمها در آن مسیر می لغزد.

5- شفاعت

کیست که در نزد خدا جز به فرمان او شفاعت کند. بقره/ 255

کلمه ی شفاعت در قرآن کریم حدود سی بار با واژه ای مختلف با پیامهای مختلف آمده و در جلد 7 بحار الانوار علامه مجلسی درباره شفاعت بیش از 100 روایت آورده است.

معنای لغوی شفاعت و شافع

شفاعت از ریشه ی شفع به معنای جفت نمودن قرار دادن ضمیمه کردن چیزی است در کناره چیزی به منظوری و هدفی، کلمه شفع یعنی جفت و در اصطلاح واسطه قراردادن کسی یا چیزی است برای آزادی و استخلاص دیگری از عقوبت و مجازات.

شَفَعْتُ الشَّيْءَ ضَمَمْتُهُ الْفَرْدَ. (چیزی را شفاعت کردم یعنی آن را به فرد دیگری ضمیمه نمودم.)

ضُمَّ الی ءِ مِثْلِهِ (شفاعت، ضمیمه کردن چیزی به همانند او است).

شفاعت عبارت از مضم شدن کسی به دیگری است به منظور این که وی را یاری دهد و از طرف او تمنایش را درخواست نماید.

شافع کسی است که چیزی برای غیر خود طلب می کند و آن غیر رسیدن به مطلوب خویش از وی در خواست شفاعت می نماید.

از آیات قرآن و روایات اسلامی بدست می آید که در یکی از موافق قیامت که همان مقام محمود است، فرشتگان، انبیاء، اولیاء شهدا، صدیقین، الصالحان، علما، و حتی مومنان از افراد مومن و موحدی که مرتکب گناه و معاصی شده ولی موفق به توبه نشده و یاتوبه ی آن موثر واقع نشده، شفاعت می کنند، چون رحمت الهی گسترده و برغضبش پیشی دارد و آن بزرگواران پیش او قرب و منزلتی دارند، از این رو به آنان اجازه داده است از رهگذر شفاعت، وسیله ی وسیله ی آمرزش آن گناهکاران را فراهم نمایند، مضمون آیه ی 7 سوره مومن ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما و در دعای جوشن کبیر می خوانیم یا من وسعت کل شیء رحمة یا من سبقت رحمة غضبه ی >> یعنی ای آنکه رحمتش همه چیز را فرا گرفته، ای آنکه رحمتش بر غضبش پیشی گرفته <<. انسان باید به گونه ای در دنیا زندگی کند که لیاقت شفاعت را داشته باشد و به راستی اگر به لیاقت نرسید، و مشمول شفاعت نشد، از بهشت محروم می گردد.

مساله شفاعت یکی از مسایل مهم دینی و اعتقادی است، شفاعت خداوند موجب امید و سازندگی هست، و باعث تربیت انسان میاشد و اینکه او را برای انجام گناه گستاخ کند، شفاعت تشویق به گناه نیست، بلکه عامل امید و مبارزه با روح یاس می باشد

چنانکه امام علی (ع) می فرماید: شفاعت کننده بال و پر طلب کننده است. یعنی همانگونه که پرنندگان نوزاد نمی توانند، به کمک پدر و مادر خود به پرواز در می آیند، شفاعت کنندگان نیز به کمک شفاعت شونده گان پرواز می کنند و تا آنها را برای پرواز در آسمان سعادت آماده سازند.

شفاعت در جوامع انسانی هم هست که هم به صورت منفی که همان پارتی بازیها و خلاف عدل الهی و شفاعت مثبت مانند نجات مظلومان از دست ظالمان توسط انسانهای و الامقام.

سخن پیامبر (ص) نشانگر اهمیت زیاد شفاعت در اسلام هست که: کسی که سه چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست. 1/ معراج 2/ سوال در قبر 3/ شفاعت

شفاعت از دیدگاه آیات قرآن

شفاعت در قرآن با تعبیرهای مختلف آمده، مربوط به شفاعت به 5 گروه تقسیم میشوند.

1/ ایاتی که شفاعت را مخصوص خدا می داند.

هیچ ولی و شفاعت کننده ای برای شما جز خداوند نیست. **سجده/4**

بگو تمام شفاعت از آن خداست زیرا حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست و سپس همه بسوی او باز می گردید.

در توضیح این آیات باید گفت که مشرکان معتقد بودند که خدا فقط خالق است و توحید خالقیت را قبول داشتند اما توحید ربوبیت را منکر بودند یعنی کار تدبیر عالم هستی را از خدایان و رب‌ها و اله‌ها می‌دانستند و اینها را شفیع بین خود و خدای خالق می‌دانستند لذا همین واسطه‌ها را عبادت می‌کردند. آیه این اعتقاد را رد می‌کند. چه خلقت و چه تدبیر را کار خدا می‌داند چون هم به آفرینش آسمانها و زمین اشاره می‌کند و هم به قرار گرفتن بر عرش توجه می‌دهد زیرا قرار گرفتن بر عرش کنایه از مقام تدبیر موجودات و اداره عالم هستی است. پس آیه می‌فهماند که خلقت و تدبیر کار یک نفر است و برای همین بلافاصله به موضوع ولایت و شفاعت اشاره میکند که از شئون تدبیر است. می‌فرماید جز خدا ولی و شفیع نیست اما به این معناست که کسی تدبیر چیزی را به عهده داشته باشد یعنی همه امور مخلوقات تحت تدبیر خدا هستند و کسی در این کار شریک او نیست. اما شفیع به معنای کسی است که چیز ناقص را با اضافه کردن چیز دیگر تکمیل کند مثلاً هر یک از ابرو باران و آفتاب برای دیگری شفیع هستند چون همدیگر را کامل کرده تا در نهایت گیاهی برود. اما چون پدیدآورنده‌ی این اسباب (ابر و باران و...) خداست پس شفیع واقعی اوست. به عبارت عمیق‌تر اگر به اسماء خدا که واسطه‌ی بین خدا و مخلوقاتش هستند، توجه کنیم متوجه می‌شویم اسماء خدا دارای سلسله مراتب است و بعضی در ذیل بعض دیگر قرار می‌گیرند مانند اسم شافی که بیماران را شفا می‌دهد و در ذیل اسم رحمت قرار می‌گیرد که هم به بیماران و هم غیر آنها مربوط می‌شود. در واقع اسم شافی، اثر رحمت در بیمار تکمیل می‌گردد یعنی خداوند با یک اسمش نزد اسم دیگرش شفیع می‌شود لذا شفیع واقعی خداست و چون چنین است شفاعت دیگران از او نشأت می‌گیرد و در روز قیامت اگر کسی شفاعت می‌کند بعد از اذن و اجازه‌ی خداست زیرا مالکیت و حاکمیت زمین و آسمانها از آن او است و به او باز می‌گردد. بنابراین عفو و بخشش از گناهان که ماهیت شفاعت را تشکیل می‌دهد، باید از جانب خدا باشد در نتیجه شفاعت کردن به طور استقلال مخصوص خداست، ولی این مطلب منافاتی که با مشروع بودن شفاعت دیگران به اذن خدا ندارد.

2/ آیاتی که شفاعت را وابسته به اذن و اجازه خدا می‌دانند.

در آن روز شفاعت (کسی) سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند مهربان به او اجازه داده و از گفتار او راضی باشد. طه/109

یعنی فردی می‌تواند شفاعت کند که از لحاظ اعتقاد و عمل خالص باشد و دلش از پاکی و شرک و جهل پاک باشد و آنچه حق باشد، پس شفاعت بی حساب و متکی به برنامه دقیق است.

کیست که در نزد خدا جز به اذن خدا وجود ندارد. بقره/255

هیچ شفاعت کننده‌ای جز به اذن خدا وجود ندارد. یونس/3 (مضمون این آیه در سوره سبا/22 و سوره نجم/26)

مالک شفاعت نیستند مگر کسانی که از نزد خداوند رحمان پیمانی دریافت کرده باشند (اجازه شفاعت) مریم/87

این آیه پاسخ به کفاری است که پرستش خدایان را می‌کردند و آنها را شفیع خود قرار می‌دادند، آیه می‌فرماید:

هیچ کس در آنجا مالک شفاعت نیست و تنها افرادی شفاعت می کنند که قبلا با خدا عهدی بسته اند. و اینها کسانی هستند که از مقربین درگاه خدای باشند.

3/ آیاتی که ظاهرا شفاعت را نفی می کند و همین آیات است که عامه را دچار شبهه نموده است

ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه که روزیتان کرده ایم انفاق کنید قبل از آن که روزی برسد که در آن روز نه معامله ای و نه دوستی ای، و نه شفاعتی به کار آید. **بقره/ 254**

شفاعت، شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد. **مدثر/ 48**

ببرهیزید از روزی کسی به جای دیگر مجازات نمی شود و از (برای رهایی از عقوبت کارهایش) بیج معادل و بهایی قبول نمی شود و شفاعت به حال او سودمند نیفتد و یاری نشوند. **بقره/ 48**

این دسته آیات هشدار دهنده برای یهود و کسانی که معتقد بودند چون اجدادشان، پیامبران الهی (اشاره به آیه 48 سوره بقره) بودند، حتما آنها شفاعت خواهند کرد و یا خیال می کردند می توانند برای گناهان خود عوضی تهیه کنند و با رشوه و پارتی جرایم خود را محو کنند، همانگونه که در این جهان عمل می کردند، اما قرآن به آنها هشدار میدهد که از آن روز بترسید که قضاوت فقط بر مبنای اعمال هر فرد صورت می گیرد و نه فردیه جای دیگر مجازات می شود و نه شفاعتی پذیرفته است و نه غرامت و بدلی قبول خواهد شد و نه از سوی کسی یاری می شوند. باید توجه داشت شفاعتی که در آیه 48 سوره بقره نفی شده، شفاعتی است که موجب جسارت و جرات بر گناهان می شود و یهود و نصاری به آن معتقد بودند و نه آن شفاعتی که مکمل اعمال نیک افراد نیکوکار می باشد و مسلمین به آن اعتقاد دارند.

4/ آیاتی که بعضی از افراد به خاطر اعمالی، محروم از شفاعت می داند.

اصحاب یمین همان طور که در باغهای پر نعمت بهشت هستند از مجرمان سوال می کنند که چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟ مجرمان در پاسخ اصحاب یمین به چهار گناه خویش اعتراف می کنند، اول می گویند، ما از نماز گزاران نبودیم. اگر نماز می خواندیم، ما را به یاد خدا انداخته و از فحشا و منکر نهی می کرد. دوم اینکه به مسکین اطعام نمی کردیم و حواجج تهیدستان رافع نمی کردیم، یعنی همان طور که حق الله را اداء نمی کردیم حق الناس را هم نمی پرداختیم. و سوم اینکه پیوسته با اهل باطل همنشین و هم صدا بودیم، یعنی آنچه باطل در باطل فرو رفته بودیم که از هر حقیقتی غافل ماندیم. در مجالسی که آیات خدا را استهزاء و یا تبلیغات ضد اسلامی می کردند، شرکت می کردیم و با تهمت و غیبت و لهو و شوخیهای رکیک خوشگذرانی میکردیم. تکذیب روز جزا چهارمین گناه مجرمین است و همین تکذیب منشا ارتکاب تمام گناه می باشد. مجرمین می گویند ما همواره روز جزا را انکار می کردیم تا زمانی که مرگ ما فرا رسید آنگاه با نزدیکی مرگ و بعد از مرگ به حقانیت روز جزا یقین پیدا کردیم اما این دیگر برای ما نتیجه ای نداشت. **مدثر/ آیات 40-48**

پس شفاعت شفاعت کنندگان بحال آنها سودی ندارد. یعنی اگر چه در روز قیامت شفاعتی در کار است اما شامل مجرمین نمی شود، زیرا شفاعت بی قید و شرط نبوده بلکه نیاز به وجود زمینه مساعد در شفاعت شونده دارد و

همانطور که آب برای دانه فاسد، بی ثمر است شفاعت نیز برای مجرمین بی فایده است.

5/ آیاتی که می گویند صحت شفاعت شفاعت کننده و شمول شفاعت به شفاعت شونده مشروط به شرایطی است.

آنها را که غیر از او می خوانید قادر بر شفاعت نیستند، مگر کسانی که گواهی به قح داده اند و به خوبی آگاهند.
رُخرف/86

و آنها جز برای کسی که خدا از او خشنود است (و اجازه شفاعتش را داده) شفاعت نمی کنند. **انبیاء/28**
آیات فوق بیانگر آن است که شفاعت کننده باید شایستگی این مقام را داشته باشد و نیز شفاعت شونده باید به مرز خشنودی خدا رسیده باشد تا مشمول شفاعت گردد.

این پنج دسته آیات هیچ گونه تضادی با هم ندارند، این آیات به روشنی دارای مراحل است، دربخشی از مراحل، شفاعتی درکار نیست و در بخشی به اذن الهی و وجود شرایط و عوامل مشروع قطعاً درقیامت واقع خواهد شد.

شفاعت تکوینی و تشریحی

پیامبر گرامی (ص)، بگو تمام شفاعت های تکوینی و تشریحی به خداوند اختصاص دارد چه اوست که مالک حقیقی آسمانها و زمین است. **زمر/44**

شفاعت تکوینی: آن است که اراده ی خدا از طریق وساطت علل و اسباب تحقق یابد پس اسباب و علل حکم شفیع را دارند.

شفاعت تشریحی: آن است که در این دنیا به واسطه ی توبه، استغفار ملائک و مومنان و در آخرت توسط پیامبران و ملائک و مومنان صورت می گیرد.

پروردگارجهان در مقام ربوبیت، مالک و حاکم مطلق بر تمام عوالم هستی است و احتیاج بشر به عطایای او در تمام شوون تکوین و تشریح همواره نیازمند فیض پروردگار است، همانطور که بشر از بعد تشریحی به هدایت باری تعالی و ارسال رسل، انزل کتب و... دارد، در مقام تکوین به جمیع فیوضات الهی از قبیل رزق، حفظ، یاری، شفای بیماران و دیگر عنایاتش نیاز دارد. و آیه ی مذکور صریحاً بیان می کند که تمام شفاعت ها به مالک واقعی عوالم هستی یعنی ذات اقدس الهی، اختصاص دارد و در پهنه ی ملک باری تعالی، گزینش شفیع خلق و خالق و تعیین وسیله برای ایصال فیض خداوند، خواه در شان تکوین باشد یا تشریح، فقط در صلاحیت آفریدگارجهان است و جز او کسی شایسته این کار نیست.

وسعت شفاعت پیامبر اسلام (ص) و مقام محمود

رسول خدا فرمود: من در قیامت در جایگاه شفاعت می ایستم و آنقدر از گنهکاران شفاعت می کنم که خداوند می گوید: ارضیت یا محمد؟ ای محمد آیا راضی شدی؟ و من می گویم رضیت رضیت راضی شدم راضی شدم.
علی(ع) به گروهی از مردم کوفه رو کرد و فرمود: شما معتقدید که امیدوار کننده ترین آیه در قرآن آیه **53/ زمر**
>> بگو ای کسانی که نسبت به خود زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا، نومید نشوید، خداوند همه ی گناهان را

می آمرزد. << می باشد، آن گروه گفتند: آری، علی(ع) فرمود: ولی ما اهل بیت می گوئیم امید بخش ترین آیات قرآن آیه 5 / **صحی** : >> بزودی پروردگارت آنقدر به تو عطا کند که خشنود شوی.>>
محمد حنیفه پس از این سخن، 3 بار گفت **والله الشفاعة** (سوگند به خدا) منظور از رضایت و خشنودی پیامبر(ص) شفاعت است.

در تفاسیر اشاره شده که این آیه ی (5 / **صحی**) بر تکریم و احترام رسول تاکید وارد که در دنیا و آخرت مشمول بزرگترین مواهب الهی می گردد تا راضی شود.

امام صادق (ع) فرمود: خشنودی جدم این است که حتی یک نفریکنارپرست در آتش دوزخ باقی نماند.
اسراء آیه 97 : و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد کن که این ن ماز شب تنها بر تو واجب است که خدایت به مقامی محمود (شفاعت) مبعوث گرداند.

منظور آیه از مقام محمود

آیه ی شریفه محمود بودن مقام آن جناب را مطلق آورده و هیچ قیدی به آن نزده است و این خود می فهماند که مقام محمود مقامی است که هر کس آن را می پسندد و معلوم است که همه وقتی مقامی را حمد می کنند که از آن خوششان بیاید، و همه کس از آن منتفع گردد و به همین جهت آن را تفسیر کرده اند به مقامی که همه ی خلائق آن را حمد می کنند و آن مقام شفاعت کبرای رسول خدا است که در روز قیامت در آن مقام در موقف شفاعت قرار می گیرد و روایت وارده این آیه از طریق شیعه و سنی همه بر این معنا متفقند. **ترجمه تفسیر المیزان، ج 3، ص 242**

پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی که در مقام محمود ایستادم از اصحاب کبائر از اتم شفاعت خواهم کرد که خداوند مرا در حق آنان شفیع قرار داده است ولی به خدا قسم کسانی که ذریه ام را اذیت کرده اند شفاعت نخواهم کرد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: مقام محمود مقامی است که در آنجا از اتم شفاعت می کنم هنگامی که در قیامت مردم از قبرها خارج شده و وارد صحرای محشر شوند، منادی خدا ندا می کند که هان ای رسول خدا خداوند متعال تو را در مورد مجازات دوستان و دوستان اهل بیت ایمن فرمود هرگونه که می خواهی مشکلات آنها را کفایت کن. آنگاه من عرض می کنم: خدایا بهشت را برای آنها می طلبم. خداوند ندا می کند هرگونه که می خواهی آنها را در بهشت جای بده آنگاه پیامبر (ص) فرمود: این است مقام محمودی که خداوند به من وعده داده است. **تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 208**

شفاعت آمرزش در قیامت

در عالم آخرت فیض آمرزش و مغفرت الهی از راه شغای ماذون و مجاز عاید گناهکاران می گردد، اما گناهکاران واجد شرایط، مثلا یکی از شرایط شمول شفاعت و نیل به مغفرت این است که تمام شفیعان ماذون، از انبیاء و اولیاء الهی یا فرشتگان، درباره کسانی شفاعت نمایند که خداوند به منفعت و آمرزش آنان راضی است. چه با عدم رضایت

پروردگار وساطت شافعان بی اثر است. به عبارت دیگر در قیامت نه تنها شفیع باید از طرف باری تعالی برای شفاعت نمودن مجاز باشد، بلکه مشفوع له نیز باید با اجازه و رضایت او مورد شفاعت واقع شود تا مفید و موثر افتد، که در آیات کلام خدا و روایات با تعبیرهای مختلف اشاره شده است.

و شفاعت نمی نمایند مگر برای کسی که شفاعت درباره او راضی باشد. **انبیا/28**

در پیشگاه الهی شفاعت سودی ندارد مگر برای آن کس که خداوند درباره اش اذن داده باشد. **سبا/34 و طه/109** که قبلا اشاره شد.

چه بسیارند فرشتگان آسمانها که با شفاعتشان چیزی از نیاز گنهکار برطرف نمی شود مگر بعد از آنکه خداوند برای کسی که بخواهد و راضی باشد اجازه دهد. **نجم/26**

نقل روایات برای تفسیر آیات

امام رضا (ع) در تفسیر این آیه **28/ انبیاء** فرموده است: شفاعت نمی نمایند مگر از کسی که خداوند از دینش راضی باشد.

شفاعت همه پیغمبران ندارد سود

اگر خدای نباشد زبنده ای خشنود

شفاعت گنهکاران امت

امام علی (ع) فرمودند: دعوت پیامبران خدا را اجابت نمایید، تسلیم امر آنان شوید، دستورشان را به کار بندید تا در شفاعت آنها وارد شوید. **فهرست کتاب عرر/ص 176**

حضرت موسی بن جعفر (ع) از پدران خود از رسول گرامی (ص) حدیث نموده که فرموده است: شفاعت من در قیامت گناهکاران امتم را شامل می شود.

پیامبر اسلام در این حدیث با به کاربردن کلمه امتی اعلام نموده است روز جزا کسی مشمول شفاعت من است که در دنیا اسلام آورده، به گروه امت من پیوسته و از شفاعت هدایتم برخوردار گردیده است.

پیامبر (ص) فرمودند: شفاعت ما مخصوص آن عده از شیعیان ماست که مرتکب گناهان کبیره شده و توبه نکرده اند و اما آنهایی که توبه کرده اند سرنوشت آنها را خداوند تعیین کرده و فرموده است: راهی بر نیکوکاران نبوده، باکی بر آنها نیست.

و نیز می فرماید: در قیامت کسانی از امت من مشمول شفاعتم می شوند که دارای گناهان کبیره هستند، اما بر پاکان و نیکان مواخذه و عتاب نیست.

محرومین از شفاعت از زبان روایت:

پیامبر (ص) می فرماید: کسی که شفاعت مرا باور نکند خداوند شفاعت مرا به او نمی رساند. دشمنان و آزار دهندگان به اهل بیت پیامبر (ص)، کسانی که برای خدا شریکت قرار داده و بر روی زمین ظلم می کنند کسانی که خدا و برنامه های آسمانی رانادیده گرفته اند، کسانی که همنشین گمراه و بددارند، کسانی که قیامت و روز معاد را تکذیب می کنند، کسانی که نماز را ترک نموده و به گرسنگان غذا نمی رسانند، برای سلطان مستبد و

ستمگر و منحرف از دین، کمک می کنند، که برای هر دسته روایاتی ذکر شده که ذکر آنها سبب طولانی شدن کلام می شود.

داستانی کوتاه از شفاعت پیامبر(ص)

شخصی به نام ابویمن به محضر امام باقر (ع) آمد و عرض کرد: شما مردم را مغرور می کنید و همواره میگویید: شفاعت محمد(ص) و شفاعت محمد(ص)، امام باقر(ع) از سخن او خشمگین شد و به او فرمود: وای بر تو ای ابو ایمن! برهیزکاری تو از هوی و هوس، تو را مغرور ساخته است، اگر وحشتهای سخت قیامت را میدیدی، میفهمیدی که نیاز به شفاعت پیامبر داری، وای بر تو آیا جز برای آن کسی که سزاوار آتش دوزخ است، شفاعت وجود دارد؟ ما در مورد شیعیانمان شفاعت داریم، شیعیان مانسبت به بستگانشان شفاعت دارند، مومن ممکن است به تعداد افراد دوقبیله ی ربیعه و مضر شفاعت کند، او حتی ممکن است در مورد خدمتکار خود شفاعت کند، و به خدا عرض نماید: پروردگارا این خدمتکارم مرا در سرما و گرما حفظ و کمک کرد، او را نجات بده.

چه اعمال و عواملی ما را به شفاعت نزدیک می کند؟

1./ اعتقاد به مساله ولایت و محبت خاندان پیامبر و علی(ع)

پیامبر(ص) فرمود: 4 دسته را من در قیامت شفاعت کنم:

1. آن کس را که به ذریه و فرزندان من احترام کند و حریم حرمت آنها را نگهدارد.

2. آن کس که نیازهای آنها را تامین نماید.

3. آن کس را که در رفع مشکل ضروری آنها تلاش نماید.

4. آن کس را که با قلب و زبان، آنها را در هنگامیکه در فشار هستند دوست بدارد. بحار الانوار / ج 8 / ص 49

2./ شیعه بودن

امامان فرمودند: برای ما است که از شیعیان خودمان شفاعت کنیم و برای شیعیان ما است که از افراد خاندان

خود شفاعت کنند. بحار الانوار / ج 8 / ص 42

3./ عذرخواهی از گناه

امام علی (ع) فرمود: خضوع گنه کار به معذرت خواهی از درگاه الهی موجب شفاعت او خواهد شد.

بحار الانوار / ج 8 / ص 53

4./ راستگویی، خوش اخلاقی و امانتداری

پیامبر (ص) فرمود: نزدیکترین شما در قیامت به من، و سزاوارترین شما بر من برای شفاعت من آن کسانی هستند

که راستگوتر، و امانت دارتر، و خوش اخلاق تر و نزدیکتر به مردم باشید. بحار الانوار / ج 69 / ص 481

5./ شیعیان ماذون روز قیامت

به موجب روایات متعددی که از اولیای گرامی اسلامی رسیده است یکی از شفعا ی گرانقدر در قیامت که

شفاعتش مقبول پیشگاه الهی است قرآن شریف است، علی (ع) ضمن خطبه ای که در آن از فضل و عظمت این

کتاب مقدس سخن گفته چنین فرموده است: بدانید قرآن شفيعی است که شفاعتش مقبول است و گوینده ای است که گفته اش مورد تصدیق.

کسی را که در قرآن د رقیامت شفاعت نماید پذیرفته می شود و پروردگار گناهان او را می بخشد و از کسی که شکایت کند مورد قبول واقع می شود و به آن ترتیب اثر می دهند.

قرآن کریم در دنیا شفيع هدایت است و در آخرت شفيع مغفرت، این کتاب آسمانی، روز جزا مسلمان گناهکاران را شفاعت می کند که در دنیا باقرآن روابط معنوی داشته، از شفاعت هدایتش بهره برده و عملا از آن پیروی نموده است. اما درباره مسلمان نمایی که برای هدایت خود از قرآن استنشاع ننموده، با دیده تحقیرش نگرسته، و عملا آن را مورد بی اعتنایی قرار داده است نه تنها شفاعت نمی کند، بلکه در پیشگاه الهی از وی شکایت می نماید و روانه دوزخش می سازد.

پیامبران و اهل بیت پیامبران از شفيعان روز قیامت هستند که در بحث قبلی به اختصار بیان شد، به موجب روایات علاوه برقرآن و پیامبران و اهل بیتش، اولیای دین، گروه شهیدان و همچنین افراد با ایمان و درستکار با اجازه خداوند درعرصه قیامت از گناهکاران شفاعت می نمایند.

پیامبر(ص) فرمودند: سه گروه نزد پروردگار شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود، اول پیامبران، دوم علما، سوم شهدای راه خدا.

امام علی(ع) فرمودند: عمل به حق، و صداقت و راستگویی شفيع انسان است.

و نیز می فرماید: شفاعت کننده ای با نفوذ تر از توبه نیست.

اما از روایات بر می آید که در عرصه ی محشر بین شفيعای عالی مقام، بانوی بزرگ اسلام زهراى مرضیه (ع) و همچنین فرزند ارجمندش حضرت حسین (ع) از مزایای اختصاصی شفاعتی بسیار وسیع و گسترده برخوردار خواهند بود. این پاداش بزرگ را خداوند درمقابل مصائب جانکاه و سنگینی که آن دو در زندگی خویش برای اعلای حق و احیای دین اسلام تحمل نمودند اعطا می فرماید، به موجب احادیث، اولیای اسلام بر اثر حضور آن دو بزرگوار در عرصه قیامت و مناظری که با آمدنشان مشهود می گردد موجی عظیم از تأسف شدید آمیخته به هیجان در مردم پدید می آید و سراسر محشر را فرا می گیرد.

البته موضوع شفاعت نباید باعث غرور شود که چون شفاعت اهل بیت حتمی است ما هم هرکاری که دلمان خواست بکنیم نه ، اینطور هم نیست، وای بسا گناهانی که آن قدر شخص باید در جهنم بماند تا پاک شود و قابلیت، شفاعت پیدا کند پس همیشه شخص باید هم بترسد و هم امیدوار.

6/ اعراف

یکی از مواقف قیامت، موقف اعراف است که مکانی مرتفعی است میان بهشت و جهنم قرار دارد و آن دو را از هم جدا می کند و گویا که همه خلایق از این گذرگاه باید وارد بهشت و یا جهنم شوند.

واژه اعراف

واژه اعراف جمع عرف به معنی مکان بلند است، اعراف از اسمهایی است که ظاهراً جمع است اما در واقع مفرد است، اعراف قسمتهای بلند کوه و تپه است و به معنای کاکل خروس و پال اسب و بالای هر چیزی است مانند اعراف الرماح یعنی بالای نیزه، و نیز به معنای نوعی نخل (درخت خرما) است. نام محلی است بین بهشت و جهنم، و گاه گفته می شود از معرفت گرفته شده به معنی شناسایی است، معلوم می شود که این کلمه به هر معنا که استعمال شود، معنای علو و بلندی در آن هست.

مفهوم اعراف از دیدگاه قرآن

درمیان سوره های قرآن، یک سوره به نام اعراف نام گذاری شده و علت آن این است که در این سوره چهار آیه به تشریح تپه حائل بین بهشت و جهنم (اعراف) و کسانی که روی آن قرار دارند و خصایص روحی آنان و مذاکراتی که میان آنان و اهل بهشت وج هنم صورت گرفت اختصاص دارد و ظاهراً همین چهار آیه است که درباره اعراف سخن گفته است.

میان بهشت و جهنم حجابی است که در قسمت بالای آنکه اعراف نامیده می شود اهل اعراف قرار دارند و به نحوی که بر همه مردم از بهشت و جهنمی اشراف داشته و آنها را می بینند و به قیافه و علامت می شناسند. آنها بهشتیان را صدا می زنند که درود بر شما اما خودشان وارد بهشت نمی شوند گرچه بسیار امید به ورود دارند.

اعراف/آیه 46

و هنگامی که چشم آنها به سوی دوزخیان برگردانده می شود میگویند پروردگارا ما را با جمعیت ستمگران قرار مده. اعراف/آیه 47

تعبیر چشمان به سوی دوزخیان برگردانده می شود نشان دهنده شدت تنفر آنها از مشاهده دوزخیان و وجود اکراه و اجبار در نگاهشان می باشد.

اصحاب اعراف جمعی از دوزخیان را که از چهره شان می شناسد صدا زده و مورد سرزنش قرار میدهند که دیدید عاقبت گردآوری اموال و نفقات در دنیا و تکبر و ورزیدن سودی به حالتان نداشت، نه مال و نفقات شما پایدار بودند و نه مانع از آتش دوزخ شدند. اعراف/آیه 48

اصحاب اعراف بار دیگر با همان زبان سرزنش به ضعفای مومنان که در اعراف قرار دارند اشاره می کنند و به همان دوزخیان میگویند آیا اینها همان افراد نیستند که شما سوگند یاد کردید هیچگاه مشمول رحمت خدا قرار نمیگیرند؟ اما بدانید رحمت الهی شامل حال آنها شده و به آنها خطاب می شود که وارد بهشت شوید نه ترسی بر شماست و نه در آنجا غمناک می شوید. منظور از ضعفای مومنان آنهایی هستند که ایمان دارند و دارای حسنات و کارهای نیکی هستند اما بر اثر پاره ای گناهان مورد تحقیر دشمنان حق قرار گرفته که چگونه ممکن است به بهشت وارد شوند اما به خاطر ایمان و اعمال صالحشان مورد لطف قرار گرفته و به سعادت می رسند. اعراف/آیه 49 و مضمون آیه 14 و 13 سوره حدید در مورد اعراف هست.

معادبات مذکور

1. میان بهشت و جهنم، مکان مرتفعی است که آن دو را از هم جدا می کند و اصحاب اعراف، روی آن قرار دارند و مشرف بر اهل بهشت و دوزخند.

2. در آن بلندبها، مردان بلند مرتبه ای قرار دارند که هر کس را سرچایش می شناسند و از خصوصیاتشان باخبرند و (بعرفون کلا بسیماهم) با آنکه در آن روز کسی بدون اذن خدا قدرت بر تکلم ندارد.

لایتکلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ونادوا؛ یعنی سخن میگویند، امر ونهی وعتاب وخطاب می کنند و حتی اجازه فرستادن افراد به بهشت را دارند.

3. رجال: آن هم بطور نکره و بدون الف و لام به حسب عرف لغت دلالت بر احترام و اعتنا به شان اشخاصی که مقصود از آن هستند دارد، چون عادتاً کلمه رجل دلالت بر انسان قوی در اراده و تعقل دارد.

4. قول علامه طباطبائی در تفسیر المیزان چنین است که مراد از رجال اعراف صاحبان مقام و منزلت است، چیزی که هست بعضی گفته اند دارندگان این مقام و منزلت انبیاء هستند و بعضی گفته اند گواهان بر اعمالند و بعضی گفته اند علماء و فقهایند.

5. استفاده می شود که این منادیان همان رجال اعراف هستند.

6. زمانی که اصحاب اعراف به ناگاه چشمشان به اصحاب آتش می افتد به خدا پناه می برند از این که با آنان محسور شده در آتش شوند و می گویند: ربنا لاتجعلنا مع القوم الظالمین البته این را هم باید بگویم که اینگونه دعا کردنشان دلیل بر این نیست که از منزلت و مقامشان ساقط شده از همین جهت می ترسند مبادا به آتش روانه شوند، برای این که از این گونه دعاها پیامبران اولوالعزم و انبیاء و بندگان صالح خدا و ملائکه مغربین نیز میکردند.

7. دوزخیان را شماتت می کند به اینکه شما در دنیا از قبول حق استکبار می کردید، و از جهت شیفتگی و مغرور بودن به دنیا، حق را ذلیل و خوار می پنداشتند.

نظر مفسرین در مورد اصحاب اعراف

با بررسی آیات فوق دو گونه صفات متضاد برای اهل اعراف به دست می آید؛ اولاً آنها افرادی هستند که آرزو دارند وارد بهشت شوند، اما موانعی بر سر راه دارند، ثانیاً افرادی بانفوذ و صاحب قدرتیند که هم دوزخیان را سرزنش می کنند و هم به واماندگان در اعراف کمک می کنند که از آن بگذرند و به بهشت داخل شوند. از طرف دیگر اعراف گذرگاهی سخت و صعب العبور بر سر راه بهشت است، آنهایی که صالح و پاک هستند با سرعت از آن عبور می کنند اما آنهایی که هم خوبی و بدی آمیخته با هم دارند در این مسیر وا می مانند، در این موقع پیشوایان به کمک ضعفای مومنان آمده و آنها را رهایی می بخشند بنابراین در اعراف دو گروه جمعند یکی ضعیفانی که محتاج رحمت هستند و دیگری پیشوایانی که در همه حال یاور ضعیفانند. گویا زندگی در آنجا نیز بر اساس الگوی این جهانی است، همینطور که در این جهان مردم سه گروهند؛ مومنان راستین، معاندان لجوج و آنها که بین این دو هستند و پیش از همه مورد توجه انبیاء هستند در اعراف نیز رهبران، ضعیفان مومنین را بسیار مورد توجه قرار می دهند تا به بهشت برسند. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان پس از ذکر دوازده قول

چنین نتیجه می گیرد که اصول اقول، سه قول است:

1/ راد مردانی مانند پیامبران، امامان و شهیدان، فقها و علمای ربانی هستند که به مقام شفاعت کردن رسیده اند.

2/ آنهایی که اعمال خوب و بدشان با هم مساوی است و در آنجا درمانده شده اند.

3/ آنها فرشتگان شفاعت کننده هستند سپس می فرماید: سیاق آیه بیانگر آن است که همان قول اول درست است.

مفهوم اعراف در روایات

در معنی اعراف امام باقر (ع) فرمود: اعراف دیواری است بین بهشت و دوزخ و نیز می فرماید: منظور از رجال اعراف، امامان از آل محمد (ص) هستند.

راوی پرسید: اعراف چیست؟ امام فرمود: راهی است در میان بهشت و دوزخ، هرکس از مومنان گنهکار را امامی از ما، شفاعت کند، رهایی می یابد، و هر کس از آنها را که شفاعت نکند، سقوط می کند.

جابر می گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم، اصحاب اعراف چه کسانی هستند؟ فرمود: آنها گرامی ترین آفریده پیش خدایند.

از سلمان فارسی نقل شده که از پیامبر اکرم (ص) بیش از ده بار شنیدم که فرمود: ای علی! تو و جانشینان بعد از تو اصحاب اعرافند که بین بهشت و جهنم قرار دارد. هیچ کس وارد بهشت نمی شود مگر آنکه شما را بشناسد و شما نیز او را بشناسید و هیچ کس داخل آتش نمی شود مگر آنکه شما را انکار کند و شما نیز او را انکار نمایید.

و در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: بر بلندیه های اعراف میان بهشت و جهنم، محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و پاکان از خاندانش هستند.

در کنار اصحاب اعراف، مردمی قرار دارند که امیدوار رفتن به بهشتند (و هم یطمعون) و از خدا می خواهند که با ستمکاران نباشند (لا تجعلنا مع القوم الظالمین) و در دنیا مورد تحقیر مستکبرین بودند، (ما اعنی عنکم جمعکم وما کنتم تستکبرون) آنگاه همان بزرگوار که توصیفشان گفته شد، از آنها شفاعت خواهند کرد و داخل بهشتشان خواهند نمود. (ادخلو الجنة لا خوف علیکم ولا انتم تحزنون) این عده همانا هستند که مرحوم مجلسی می گوید: در روایت آمده است: خداوند گروهی را در اعراف نگه می دارد که با اعمال نیکویشان مستحق پاداش بدون کیفر نیستند و همچنین مستحق خلود در جهنم نیستند و اینان همان امیدواران فرمان خدایند و برای اینها است شفاعت، و همواره در اعراف می مانند تا آن که با شفاعت پیامبر و امیر المومنین و امامان بعد از او صلوات الله علیهم به آنها اجازه دخول بهشت داده می شود.

بنابراین اصحاب اعراف دو گروه هستند:

الف) بزرگوارانی دکه به منزله ی (امیران کاروانند و در آنجا توقف کرده اند تا دست واماندگان را بگیرند.

ب) گناهکاران وامانده که از لحاظ عقیده خوب ولی از لحاظ عمل بی مایه اند.

امام باقر (ع) می فرماید: اصحاب اعراف، مردمی هستند که خوبیها و بدیهایشان مساوی است و اعمال کمشان نگذاشته که وارد بهشت شوند.

سفیان بن مصعب از شاگردان امام صادق (ع) پرسید: صاحبان اعراف کیستند؟ امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: آنها دوازده امام از آل محمد (ص) هستند. او پرسید اعراف چیست؟ امام (ع) فرمود: جایگاههای بلند از مشک است که پیامبر (ع) و اهل بیتش در آنجا هستند و همه برجستگان را از چهره و سیمایشان می شناسند و نجات می دهند. آنگاه سفیهان که دارای حالی پر شور و نشاط شده بود این اشعار را خطاب به امامان (ع) سرود: شما فرمانروایان روز حشر و نشر روز جزا هستید و شما در آن روز خطیر و وحشتناک پناه مردم میباشید شما برفراز اعراف که جایگاه رفیعی از مشک است قرار دارید که نسیم بوی مشک آن بوسیله شما در اطراف پخش شده و به مشام می رسد.

17. بهشت و جهنم

آخرین موقف قیامت مسئله بهشت و جهنم و درهای آن است. در بحث معاد، از جمله مسائل بسیار پیچیده و سوال برانگیز مساله بهشت و دوزخ است. قرآن کریم در آیات بسیاری پیرامون عالم آخرت سخن گفته و در موارد گوناگون با تعبیرهای مختلف از جنت که جایگاه پاکان است و از نار که جایگاه گنهکاران است نام برده و این دو از ضروریات دین مقدس اسلام است.

بهشت و جهنم از عصر رسول گرامی (ص) تا امروز مورد کنجکاوی و دقت مسلمانان بوده، و کسانی در این باره از پیشوای اسلام و ائمه طاهرین (ع) پرسش هایی نمود و پاسخ هایی شنیده اند، علمای تفسیر و حدیث فلاسفه اسلام و متکلمین نیز راجع به سوالات مربوط به جنت و نار سخنانی گفته اند و احتمالاتی را ذکر نموده اند. پر واضح است تا زمانی که در این جهان زندگی می کنیم، نمی توانیم از جهان آخرت که نامانوس است اطلاع کاملی داشته باشیم، همان گونه که طفل تا زمانیکه در رحم مادر است نمی تواند از جهان خارج آگاهی درستی داشته و از اسرار آن مطلع گردد، ولی قرآن و احادیث اسلامی از آخرت و نعمات آن و چگونگی حالات انسان ترسیمی به دست می دهند که تا حدودی وجوه مشترک و متفاوت بین دنیا و آخرت را برای ما روشن میکند.

می دانیم که سرانجام، نیکوکاران به جایگاهی می رسند که منتهای حرکات کمالی مومنان و پرهیزکاران است، آنجا از ثمرات شیرین کردار شایستگان و ایمان مومنان و تلاش مجاهدان در آن به مضه ی ظهور کامل می رسد، جایی که آرامش مطلق و انواع نعمت ها برای وارد شدگان حاصل و فراهم است، آنجا که بهترین و عالی ترین وسایل آسایش برای اهل آن مهیا است، جایی که هیچگونه رنجی برای ساکنانش وجود ندارد، آن جایگاه بهشت است که در قرآن به نامهایی از قبیل جنت، دار السلام، دار الخلود، دار الماوی، جنات عدن، دار الحیوان، فردوس، جنات نعیم، مقام امین، دار المقام و... خوانده شده است.

چهره هایی در آن روز شاداب و درخشان و خرمند به نعمت های پروردگارشان، نگرنده اند. **قیامت/22 و 23**

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند، هنگامی که به آن میرسند

درهای بهشت باز می شود و نگهبانان به آنان می گویند: سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمت ها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید. آنها می گویند حمد مخصوص خدایی است که به وعده ی خویش درباره ی ما وفا کرد و بهشت را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم، چه خوبست پاداش عمل کنندگان!

زمر/73و74

در قیامت کفار را دسته دسته از پشت سر ربه سوی جهنم می رانند و چون به جهنم می رسند درهای آن باز می شود تا داخل آن شوند یعنی دوزخ درهای متعدد دارد، آن وقت ملائک دوزخ از روی ملامت به ایشان می گویند آیا رسولانی از نوع شما به سویتان نیامدند تا آیا پروردگارتان و دلایل وجدانیت او را در ربوبیت و پرستش او برایتان بخوانند؟ گفتند: چرا چنین رسولانی آمدند و آن آیات را خواندند اما زیر بار نرفتیم و آنان را تکذیب کردیم و در نتیجه فرمان خدا و حکمش درباره ی کفار به کرسی نشیست و عذاب دامان ما را گرفت. به آنها گفته می شود از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بماند، چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران! جانب این است که فرشتگان عذاب از میان تمام اوصاف رذیله ی ایشان روی تکبر تکیه می کنند زیرا عامل اصلی تکذیب و عناد و کفر همین کبر و غرور است. زمر/71و72

(در روایتی از امام باقر(ع)) آمده کسی که ذره ای در دلش تکبر باشد به بهشت وارد نمی شود.

قرآن کریم بهشت را به گونه ای توصیف می کند که تمام نعمت های مادی و معنوی در آن موجود است انواع نهرها، درختها، میوه ها، آشامیدنی ها، کاخها، لباسها، دیدنیها، شنیدنی ها، پوشیدنیها، همسران زیبا، و رضوان الهی و... وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شد، این است که دارای نهرهایی از آب جاری غیر متغییر و جویهایی از شیر که مزه اش تغییر نمی کند و نهرهایی از بادهای خوش گوار و و جویهای از عسل تصفیه شده است و برای پرهیزکاران از هر نوع میوه و بخششی الهی در آن وجود دارد. محمد/15

در سوره زخرف چنین توصیف می شود: شما و همسرانتان شادمانه وارد بهشت شوید. برای آنان از جامههایی از طلا و صراحی گردانیده می شود و در بهشت آنچه دلشان بخواهد و دیدگانشان لذت برد، آماده است، و شما در آن جاودانه هستید، و این همان بهشتی است که آن را از راه کردار نیک خود به ارث برده اید و برای شما در آن، میوه های فراوان خواهد بود که از آنها می خورید. زخرف/70-73

امام علی(ع) نیز در توصیف کلمات بهشت کلمات فراوانی دارد از آن جمله است:

اما فرمانبرداران را در جوار رحمت خویش جای می دهد و در سرای جاودانی اش آنان را مخلص میسازد، سرایی که اقامت کنندگانش هرگز کوچ نمی کنند و احوالشان تغییر نمی پذیرد، خوف و ترس به آنان روی نیاورد، بیماری ها در وجود آنان رخنه نکند، خطرات عارض آنان نشود، و سفری در پیش ندارند، تا به اجبار از منزلی به منزل دیگر کوچ کنند. نهج البلاغه. خطبه 109

بهشت درجات مختلف و منزلهای متفاوتی دارد، نعمت هایش پایان نمی پذیرد، ساکنانش از آن نخواهند رفت، آنان همواره در آن زندگی می کنند و هیچگاه پیر نمیشوند، و ساکنان آن هرگز گرفتار نمیشوند. نهج البلاغه/خطبه 85

توصیف هراس انگیز جهنم در قرآن ، موی بر بدن آدمی راست می کند و شدت و مدت عذابهای وصف ناپذیر آن، وحشت و هراس در دل دلاوران می اندازد، دوزخی پر از آتش، صداهای وحشتناک، زنجیرهای آتشین، آبهای جوشان و چرکین که به خورد گنه کاران می دهند و... آیات فراوانی جهنم و عذابهای دردناک آن را وصف میکند، که اشاره خواهد شد.

درهای بهشت از نظر قرآن

امام کاظم (ع) فرمودند: برای جان شما جز بهشت بهائی نیست، پس بیدار باشید و خود را به غیر آن ن فروشید.
بحار الانوار/ج78/ص306

از میان آیات شریفه قرآن سه آیه سخن از درهای بهشت به میان آورده و تصریح نموده که دارای ابواب مختلفی هستند، اما در مورد تعداد درهای بهشت، سخنی به میان نیامده است.

باغهای جاودان بهشتی که درهائیش به روی آنان گشوده است. ص/50
و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند، و به آنان می گویند سلام بر شما، به خاطر صبر و استقامتتان، چه نیکو است سرانجام آنان، آن سرای جاودان. رعد/23و24

هنگامیکه به آن بهشت می رسند، درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان بهشت به آنان میگویند سلام

بر شما، گواریتان باد این نعمتها، داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید. زمر/73

با توجه به این آیات می فهمیم، بعد از حکم دادگاه و قضاوت و تعیین سرنوشت هر یک از افراد بشر در درهای بهشت به روی اهل بهشت باز می گردد و فوج فوج بهشتیان با عزت و احترام وارد بهشت می شوند و ملائکه به آنها گویند سلام علیکم، همگی شما در سلامتی مطلق خواهید بود. و همه چیز مایه ی خشنودی شماست، داخل شوید و به قول ما منزل شما مبارک، داخل شوید برای همیشه در آنجا خواهید ماند (موقف جاودان) و این علامت پاکی شماست.

درهای بهشت عدن به روی آنها گشوده میشود، اشاره به این است که متقین با هر عمل نیکی دری از بهشت عدن به روی خود می گشایند و در قیامت همه ی درهای بهشت را به روی خود گشاده می بینند بدون کلید، کنایه از این است که برای ورود آنها به بهشت هیچگونه ممنوعیتی نیست و به خاطر آنها ایجاد شده و به قدر باز کردن درهم معطلی ندارند.

تعبیرمفتحه در آیه به اصطلاح ادبی از باب تفعیل است، تاکید بیشتر را می رساند به معنای آن که درهای بهشت برای آنها به طور کامل گشوده می شود.

ذکر صبر و استقامت در میان ارزشهای بسیار، از این رو است که صبر و استقامت نقش مهم در انجام اعمال نیک دارد.

پیامبر اکرم (ص) در مورد این آیات می فرماید: حلقه ی در بهشت از جنس یاقوت قرمز است که بر صفحه ای از طلا قرار دارد، وقتی که آن حلقه به در کوبیده شود، آهنگی از آن به گوش می رسد که می گوید یا علی.

بحار الانوار/ج8/ص198

و به دنبال آن رسول خدا (ص) می فرماید: هنگامی که بهشتیان به طرف بهشت روانه می شوند، در نزدیک آن، در چشمه ای که چشمه ی حیات نام دارد، خود را شستشو می کنند، و بر اثر بسیار زیبا و درخشان مانند یوسف (ع) می شوند. وقتی کنار در بهشت می رسند، حلقه آهنگی شاد از خود در می آورد و می گوید یا علی و آهنگ آن برای هر کس که داخل بهشت می شود، آهنگ ویژه ای است، که برای دیگران آهنگ مخصوص دیگر است، بستگان و غلمان و حوریان مومن از همین آهنگ ویژه می فهمند که صاحبشان فلان کس وارد بهشت شد، با نهایت شادمانی به استقبال او می روند. بحار الانوار/ج8/ص198

رسول اکرم فرمود: من نخستین شخصی هستم که کوبه در بهشت را می کوبم، در حالیکه علی(ع) همراه من است.

تعداد درهای بهشت و اسامی آنها

در کتب تفسیر و احادیث، روایات زیادی از پیامبر(ص) و ائمه معصومین (ع) آمده که در آنها اشاره به درهای بهشت شده که نشان می دهد بهشت هشت تا در دارد و جهنم طبق آیه ی قرآن هفت در دارد.

پیامبر (ص) می فرماید: بهشت دارای هشت در است. بحار الانوار/ج8/ص922 و 129

جهنم هفت در دارد و برای هر دری گروه معینی از آنها تقسیم شده اند. حجر/44

امام صادق (ع) از پدرش از حدیث ، از امیر المومنین علی(ع) نقل می کند که فرمود:

بهشت دارای هشت در است، دری است که از آن پیامبران و صدیقان وارد می شوند، و در دیگری است که از آن شهیدان و صالحان وارد میشوند و از پنج در دیگر شیعیان و دوستان، وارد می شوند و من همواره بر صراط ایستاده و دعا می کنم و می گویم: خدایا شیعیان و دوستان و یاران و کسانی که در دنیا مرا دوست می داشتند سالم و از خطر دور بگردان. نور الثقلین/ج4/ص505

در این هنگام از دل عرش ندایی می رسد که: دعایت را مستجاب کردم و شفاعتت را در حق پیروانت پذیرفتم، آنگاه هر فردی از شیعیان و دوستان و یاران و آنهایی که با دشمنانم با گفتار و کردار مبارزه کرده اند، می توانند هفتار هزار از همسایگان و نزدیکانشان را شفاعت کنند. و از در هشتم سایر مسلمین از کسانی که به لا اله الا الله شهادت می دهند و در دلشان ذره ای از دشمنی ما اهل بیت وجود ندارد؟، داخل بهشت خواهند شد. مطابق آیات قرآن بهشت هشت نام دارد و شاید نام درهای بهشت را که به عدد هشت خواندند از آن بابت باشد.

نامهای بهشت

1 و 2- جنتان (دو بهشت)

3. جنت النعیم

4. جنت عدن

5. جنت الماوی

6. جنة الخلد

7. جنات الفردوس

8. جنت عالیہ

این تفاوتها شاید به خاطر اعمال افراد است که بر اساس عدل الهی هرکسی در درجه ای قرار می گیرند چنانکه **امام صادق (ع) می فرماید:** نگویید بهشت یکی است زیرا خداوند می فرماید: پایین ترین از آن، دو بهشت دیگر است و نگویید یک درجه است، چرا که خداوند می فرماید: درجاتی است بالاتر از بعضی دیگر، و این تفاوت به خاطر اعمال آنهاست. **تفسیر مجمع البیان/ج9 و10/ص210**

از روایات می توان فهمید که مردم از لحاظ ارزش کارهایی که کرده اند، دارای موقعیتهای مخصوصی هستند که از درهای معینی که تناسب با اعمال آنها دارد، وارد بهشت می شوند و آن درها عبارتند از:

1. باب المجاهدین

2. باب المصلین (در نماز گزاران)

3. باب الصائمین (روزه داران)

4. باب الصابرين (صبر کنندگان)

5. باب الشاکرین (شکر گزاران)

6. باب الذاکرین (یاد آوران خدا)

7. باب الحاجین (حج کنندگان)

8. باب اهل المعروف

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید: در کارهای نیک با برادرانتان رقابت کنید و از اهل معروف باشید، زیرا برای بهشت دری است که به آن در معروف می گویند و داخل آن نمی روند و مگر کسی که در دنیا کارهای نیک انجام داده است.

اعمال و ارزش هایی که سبب ورود به بهشت می شود

1. تقوی و پرهیز کاری

این همان بهشتی است که ما به ارث به بندگان پرهیز کار می دهیم. **مریم/63**

2. ایمان و عمل صالح

و کسانی که روح و قلبشان مملو از ایمان است و در سراسر عمرشان از آن ایمان، عمل صالح تسرچشمه گرفته است، اینان برای ابد در بهشت خواهند ماند. **بقره/82**

3. ترک هواهای نفسانی

و اما گروه دیگر افرادی هستند که از مقام پروردگارشان ترسان هستند و بر هوای نفس مسلط شده و نفس را از هوس باز می دارند و پس بهشت جایگاه ایشان است. **نازعات/40 و41**

4. اهتمام به نماز (الا المصلین) معارج/22 فقط مومنین هستند

5. هجرت و جهاد (توبه/100)

6. جهاد و شهادت (توبه/11)

7. عفت و حفظ پاکدامنی (معارج/29)

8. تولی و تبری (مجادله/22)

9. اخلاص (صافات/39)

10. اطاعت از خدا و رسول خدا (نسا/33)

11. ایمان و مقاومت در صراط مستقیم (احقاف/13 و 14)

12. امانت داری (معارج/32)

13. وفای به عهد و پیمان (معارج/32)

14. خمس و زکات دادن (معارج/24)

15. تزکیه نفس (طه/75)

16. ایمان به روز معاد (معارج/26)

17. صبور بودن (دهر/12)

18. ترس از عذاب دوزخ (رحمن/46)

علاوه بر آیات مذکور آیات متعدد و موارد دیگری در قرآن کریم وجود دارد.

و طبق آیه 40 سوره اعراف کسانی که آیات خدا را تکذیب کنند و تکبر ورزند هرگز درهای بهشت و آسمان به رویشان باز نمی شود.

پیامبر(ص) فرمود: در شب معراج مردی را مشاهده کردم که تا نزدیکیهای درهای بهشت خود را رسانده بود، ولی به هر دری که می رسید به رویش بسته می شد، تا این که گواهی و شهادت او به احدیت خداوند از روی اخلاص به طرف او آمد و همین کار باعث شد که در درهای بهشت به رویش گشوده شد و وارد بهشت گردید.

بحار الانوار/ج7/ص291

پیامبر(ص) از این جهت فرموده است که کسی که روزی 100 بار **لا اله الا الله الملك الحق المبين** را بگوید در بهشت به رویش باز می گردد. **بحار الانوار/ج95/ص294**

در روایات اشاره بیشتری شده بر این که چه اعمالی سبب گشوده شدن درهای بهشت می شود که اشاره اجمالی از زبان مبارک پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) می شود.

پیامبر(ص) فرمود: نماز بنده در قیامت کلید بهشت است و همچنین نمازهای مستحبی مخصوص روز یکشنبه و سه شنبه و فرمودند: کسی که وضوی صحیح بگیرد و نمازش را به طور کامل ادا نماید و زکاتش را پرداخت کند و چشم و زبانش را کنترل نماید و از گناهانش استغفار نماید و خیر خواه خاندان نبوت باشد، درهای بهشت بر

روی چنین انسانی باز است. بحار الانوار/ج82/ص218

امام علی (ع) فرمود: بهشت هفتاد و یک در دارد، شیعه و اهل بیت من از هفتاد در آن وارد می گردند، سایر

مردم از یک در آن وارد می شوند. بحار الانوار/ج8/ص139

پیامبر (ص) در مورد ارزش ماه مبارک رمضان فرمود: درهای بهشت در این ماه گشوده است، از درگاه خداوند

بخواهید آنها را بر روی شما نبندد و درهای دوزخ به روی شما بسته است، از درگاه خدا بخواهید، آن را به روی

شما نگشاید. عیون اخبار الرضا/ج1/ص296

و نیز فرمودند: بهشت هشت در دارد، کسی که خواهان ورود از این درها است چهارچیز را انجام میدهد:

سخاوت.

صدقه .

خودداری از آزار رسانی به بندگان خدا

خوش خلقی

اشاره شد بهشت هشت در است، طبق روایات درهای بهشت دارای کتیبه هایی است که بسیار آموزنده میباشد

از جمله: در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) چنین آمده است که در شب معراج همراه جبرئیل به دیدار بهشت و دوزخ

شتافتم، دیدنیها و شنیدنیهای آنجا را از نزدیک مشاهده کردم، بهشت دارای 8 در بود و دوزخ دارای 7 در بر روی آن

درها پس از ذکر یکتایی خدا و رسالت پیامبر (ص) و ولایت علی (ع) چهار کلمه نوشته شده بود که آن 4 کلمه

برای آن کس که می داند و عمل می کند بهتر است از دنیا و آنچه وجود دارد، جبرئیل آنها را برای من توضیح داد،

نوشته های هشت در بهشت و آن چهار کلمه در هر در آن به عنوان چنین بود:

بر روی در اول: لا اله الا الله محمد رسول الله، علی ولی الله، لكل شی حباه العیش اربع خصال، القناعه،

و بند الحقد وترک الحسد، و مجالسه اهل الحیر...

(معبودی جز خداوند یکتا نیست، محمد (ص) رسول خداست، علی ولی خداست برای هر چیزی چاره ای است،

چاره زندگی در چهار خصلت است: 1. قناعت 2. دوری از کینه 3. ترک حسادت 4. همنشینی با انسانهای نیک.

بحار الانوار/ج8/ص146

درخت طوبی

آنان که (به خدا و قیامت و پیامبران و امام معصوم) ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند(درخت طوبی) و بهترین

زندگی برای آنانست. و سرانجام کارشان بهترین سرانجام خواهد بود. رعد/29

یکی از درختان بسیار معروف و مشهور بهشت که خداوند متعال برای مقربان و نیکان خلق کرده درخت طوبی است

و چون بهشت محل پاکی و پاکیزگی و طهارت و جای طیب و طاهر و مکان ورود پاکان است از این جهت شجره ی

طوبی در آن قرار دارد. طوبی، درختی است که حقیقتش از طهارت و پاکی و از صداقت باطن مومنان به وجود آمده

است. پس واقعیت طوبی، همان پاکی و قداست می باشد و چون پاکی و قداست دارای فروع و شاخه هایی

است که در آخرت نیز به صورت درختی که شاخه ها و میوه های آن نیکو می باشد در آمده است. اصل درخت طهارت و قداست، ولایت و دوستی معصومین است که از آن، هر خیر و خوبی ترشح می‌کند و بدون آن هیچ چیز دارای ارزش نمی‌باشد، لذا ریشه واصل این درخت درخانه امامت و ولایت است. از رسول اکرم (ص) درباره ی طوبی پرسیدند، فرمود: درختی است که ریشه اش در خانه من و شاخه هایش بر اهل بهشت پخش شده است. دوباره پرسیدند فرمود: درختی است که ریشه اش در خانه علی (ع) می‌باشد، عمر از اختلاف این پاسخ پرسید؟ فرمود: خانه من و خانه علی (ع) در بهشت در مکان واحدی است. **مجمع البیان/ج6/ص291**

چشمه های بهشت

در بهشت آشامیدنی ها و آبها و نهرها و چشمه های زیادی وجود دارد که برای مومنان حقیقی آماده است. خداوند متعال بعضی از آنها را در قرآن مجید ذکر فرموده است که در اینجا فقط به شمارش آنها اشاره می شود.

1. چشمه مطهره (انسان/21)
2. نهرهای شراب (محمد/15)
3. زنجبیل (انسان/ 17)
4. چشمه سلسبیل (انسان /18)
5. چشمه کافور (انسان/5)
6. چشمه تفجیر (انسان/6)
7. چشمه نسیم (مطففین/ 28و27)
8. چشمه کوثر (کوثر/1)
9. معین (صافات/45 و 46)
10. نهرهای فراوان آب (محمد/ 15)
11. نهرهای شیر (محمد/ 15)
12. نهرهای عسل (محمد/ 15)
13. رحیق مختوم (مطففین/ 25)

و بعضی چشمه ها در روایات اشاره شد، نهر افلج، نهری دیگر...، نهر رجب، نهر حیر، نهر جعفر، نهر رحمت، چشمه حیات.

بهشتیان علاوه بر نعمتهای ظاهری بهشت، از نعمتهای معنوی رضوان الهی برخوردارند و این نعمت روحانی از سایر نعمتها به مراتب برتر و عالی تر است.

بزرگترین نعمت و عظیم ترین خیر و پیروزی برای بهشتیان رضایت و خشنودی از خداوند است. **توبه/72**

آنچه می بینی، دلت همان خواهد و آنچه می بینی، دلت همان خواهد.

جهنم

آنان که به خدا و تعالیم الهی کفر آورده اند کیفرشان آتش دوزخ است، نه درباره آنان حکم مرگ صادر میشود تا بمیرند و عذابشان پایان پذیرد و نه عذابشان کاسته می شود تا سختی و فشارشان تخفیف یابد. **فاطر/36**

از لغت جهنم می فهمیم، خانه عذاب، گوادی بی پایان، آتشی بر افروخته شده از غضب خداوند قهار، زندان آخرتی، موقف دائمی برای مجرمان می باشد.

اهل عذاب در آخرت مشمول قوانین تکوینی و سنن قطعی آن عالمند و هم مانند بهشتیان وضع پابرجا و ثابتی دارند. آنان هم نمی میرند، ناراحتی و دردشان کاهش نمی یابد، بی هوش نمی شوند و به خواب نمی روند، همان طور که بهشتیان در وجد و سرورند دوزخیان همواره در رنج و عذابند.

جهنم جایگاه مردمی است که به وظایف انسانی خود عمل نکرده، به حقایق جهان آفرینش ایمان نیاورده و به اخلاق حسنه توجه نکرده است.

اعتقاد ما درباره دوزخ آن است که آنجا سرای خواری و انتقام گرفتن خداوند از کافران و گناهکاران می باشد که همیشه در عذاب هستند، جهنمیان در آنجا جز لباسهای جهنمی نمی پوشند و جز آبهای جهنمی نمی نوشند (**حمیم**: آب بسیار داغ و جوشان، این کلمه 20 بار در قرآن مجید به کار رفته، 6 مرتبه به معنی مهربانی و 14 مرتبه به معنی آب جوشان **صدید**: آبی که به شکل چرک خونی است، این کلمه یک مرتبه در سوره ابراهیم آیه 15 آمده **عساق**: در معنای این آشامیدنی اختلاف نظر مفسرین وجود دارد بعضی گفته اند آب بسیار سرد، کلمه عساق در مرتبه در قرآن مجید بعد از کلمه حمیم به معنای آب جوشان آمده است، سوره صاد آیه 57 و سوره نبا آیه 25) و جز غذاهای دوزخی نمی خورند (**زقوم**: غذای اهل جهنم میوه ای است دارای طعم بسیار بد و نا مطبوع، که سه بار در قرآن مجید آمده است. **عسلین**: چرک و خون و مایعی است، در قرآن مجید در یک مورد سوره حاقه آیه 36 آمده است. **صریع**: گیاهی خاردار که در بیابانهای خشک می روید. سوره غاشیه آیه 6 و 7) ناله ها و فریادهای آنان را جز توهین و تحقیر شدن جوابی نیست. دوزخیان به بهشتیان می گویند: ما را از آب گوارا یا از نعمتهایی که خداوند به شما روزی نموده است بهره مند سازد، پاسخ می گویند خداوند این هر دو نعمت را بر کفار تحریم نموده است. **اعراف/44**

این محیط رعب انگیزی که قرآن توصیف می کند و از شنیدن نام آن مو به بدن آدمی سیخ شده و نیرومندترین افرادی که حالت هراس و وحشت وصف ناپذیر در خود احساس می کنند.

در قرآن کریم اسمهای گوناگون برای جهنم آمده است از قبیل: **هاویه، جحیم، سعیر، سفر، لظى، حطمه، جهنم...** می باشد، که 7 مرتبه به عنوان جهنم نام برده شده، و 4 مرتبه به عنوان **بنس المصیر** جایگاه و بر گشتگاه نا مطلوب، در 3 مورد به عنوان **بنس المهاد** نام برده شده، و 4 مرتبه به عنوان **بنس القرار** قرارگاه بسیار بد معرفی شده است و در 126 مورد از **آتش جهنم** نام برده است و در مواردی هم، برای اینکه مردم آن را از قبیل آتشیهای دنیا تصور نکنند، آتش خاص بیان کرده است، که در سوره همزه به آن اشاره شده است

که: آتشی جهنم به واسطه خشم خداوند قهار ، برافروخته شده است، شعله های و شراره های آن دل و جان و باطن انسانهای ناپاک را می سوزاند. **همزه/4-9**

به خلاف آتش دنیا که تنها جسم و ظاهر بدن را می سوزاند و کاری به باطن و روح انسان ندارد.

امام صادق(ع) می فرماید: حرارت آتش جهنم هفتاد مرتبه بیشتر از حرارت آتش دنیا است.

از مواضع بسیار سخت و رعب انگیز در مراحل پایانی قیامت درهای دوزخ می باشد؟، اگر انسان کاریش به آنجا بکشد و به درها نزدیک شود و حرارت شدید آن را به درون دوزخ میکشاند، دوزخی که آنقدر اشتها دارد که فریاد فریاد می زند: هل من مزید (آیا کسی هست تا بر من زیاد شود؟)

چنانچه آیه قرآن است:

"روزی که بگویم به جهنم آیا پر شدی؟ جواب گوید: آیا باز کسی هست." **(ق/30)**

بعضی مفسرین گفته اند استفهام "هل" در اینجا انکاری است یعنی پر شده و دیگر محلی ندارد و این زمانی است که همه جهنمی ها داخل جهنم شده و مصداق " (که همانا پرسازم جهنم را همگی از جنیان و مردم) قرار گرفته است. **(هود/119)**

درهای جهنم از دیدگاه آیات قرآن

منافقان در پائین ترین مرحله دوزخ قرار دارند ، و هرگز یآوری برای آنها نخواهی یافت، مشخص است که نفاقشان چنان پستی و نزول برای آنها ایجاد کرده که در پائین ترین درجات جهنم منزل دارند. **نسا/145**

و هرگز کسی نیست که ایشان را یاری دهد یا شفاعتشان را بکند، یا توجه به آیه قبل مومنین می ترسند از این که کفار را ولی خود بگیرند و در صف منافقان قرار بگیرند.

اکنون که چنین است هرکدام از شما از دری از درهای جهنم که مناسب اعمال شما است وارد شوید و جاودانه در آن بمانید پس جایگاه متکبران بسیار بد است، مقصود از متکبرین همان مستکبرین است یعنی فردی که برای خود طلب بزرگی می کند و این کار برای او یک صفت شده است **(نحل/29)**

معنای هفت در ، داشتن این است که جهنم هفت نوع عذاب دارد که هفت عذاب دلالت بر هفت نوع گناه می کند که چون راههایی که انسان را به سوی گناهان می کشاند. چندین قسم است که هر نوع عذاب برای خود چند قسم است. **(حجر/43.44)**

و کسانی که کافر شده اند، گروه گروه به سوی دوزخ رانده می شوند، وقتی به دوزخ می رسند درهای آن گشوده می شود **(زمر/71)**

روایاتی در مورد نزول آیه 44 و 43 سوره حجر

هنگامی که این آیه نازل گردید، پیامبر (ص) گریه شدید کرد به طوری که اصحابش از گریه او به گریه افتادند و ندانستند که جبرئیل چه مطلبی نازل نموده، و کسی را یاری آن نبود که از پیامبر (ص) پرسد چرا گریه می کنی؟ هرگاه پیامبر (ص) فاطمه (س) را دیدار میکرد، شاد می شد یکی از اصحاب به سراغ حضرت زهرا(س) رفت تا او

را نزد پیامبر(ص) بیاورد، وارد خانه زهرا (س) شد و به او سلام کرد و گریه پیامبر را به او خبر داد. فاطمه(س) برخاست و به محضر پیامبر(ص) آمد و عرض کرد بابا فدایت گردم، چه چیز مایه گریه شما شده است. پیامبر دو آیه مذکور را که جبرئیل نازل کرده بود تلاوت کرد، فاطمه (س) آنچنان تحت تاثیر آیات قرآن قرار گرفته که بی توان شد و از جانب صورت بر زمین افتاد در حالیکه میفرمود وای سپس وای بر کسی که وارد دوزخ گردد.

بحار الانوار، ج 43، ص 87 و 88

جهنم و درهای آن از زبان روایات

بهشت دارای هشت در است و دوزخ دارای هفت در می باشد، و آنها طبقاتی است که روی همدیگر قرار دارند. در تفسیر آیه (لها سبعة ابواب) امام علی (ع) می فرماید: دوزخ هفت در دارد، به صورت هفت طبقه، طبقه بالای بعضی قرار دارد و سپس آن حضرت یکی از دستهای خود را روی دیگری قرار داد و فرمود: این چنین، و سپس می فرماید: خ داوند طبقه های دوزخ را بر روی همدیگر می گذارد، پایین ترین طبقه آن، **جهنم** نام دارد، و طبقه بالای آن **لطی** و طبقه بالاتر از آن **حطمه**، و طبقه بالاتر از **سقر** و طبقه بالاتر از آن **حجیم** و طبقه بالاتر از آن **سعیر** و طبقه بالاتر از آنها **وبه** نام دارد.

از امام صادق (ع) نقل شده که دوزخ هفت در دارد از یک در آن فرعون و ماهان و قارون وارد می شوند، و از در دیگر مشرکین و کفار وارد می شوند و از در دیگر بنی امیه وارد می گردند... و از در دیگر دشمنان ما اهل بیت(ع) و محاربین با ما و آنانکه ما را به خودمان وا گذاشتند وارد می شوند و این در بزرگترین در دوزخ است و سوزندگی آن از همه بیشتر می باشد.

و نیز امام صادق (ع) فرمود: بعضی از دانشمندان هستند که دوست دارند علمشان را احتکار کنند و کسی از آنها بهره نگیرد، اینها در قعر پایین ترین دوزخ قرار دارند.

رسول اکرم (ص) فرمود: آتش دوزخ در قیامت با سه گروه سخن می گوید: اول فرمانروا و زمامدار، دوم خواننده قرآن و واقف به احکام آن، سوم مالدار متکمن، به زمامداری می گوید: ای کسی که تو را پروردگارت سلطه و حاکمیت بخشید و تو با مردم عادلانه رفتار نموده، آتش او را می بلعد همانطور که پرنده دانه کنجد را، به خواننده قرآن و عالم دین می گوید: ای کسی که خود را بین مردم پاک و درستکار جلوه می دادی اما در پیشگاه الهی مرتکب گناه می شدی، آتش او را نیز در خود فرو می برد، سپس به ثروتمند می گوید: ای کسی که پروردگارت به تو مال بسیار بخشید و مرد فقیری مبلغ ناچیزی را به عنوان قرض از تو درخواست نمود و از روی بخل به خواسته او ترتیب اثر ندادی، او را هم می بلعد.

وضع دوزخ در مقابل دوزخیان

وضع دوزخ در مقابل دوزخیان مانند حیوان گرسنه ای است که با شکاری مطبوع و متناسب مواجه شده است، برای دست یافتن به آن تلاش می کند، تمام نیروی خود را به کار می گیرد، وبا هیجانی آمیخته به خشم بر روی می تازد، تا هر چه سریع تر آن را بدرد و طعمه خود سازد، قرآن کریم در این باره فرموده است:

وقتی دوزخ گنهکار را از دور می بیند به هیجان می آید و فریاد خشم آلودش به گوش میرسد. **فرقان/12**
امام صادق (ع) فرمود: دوزخ از فاصله یکسال مسافت گناهکار را مشاهده می کند.

استغاثه دوزخیان در آتش

دوزخیان که در آتش معذبند و در شدیدترین بلا و بدبختی به سر می برند همواره به رهایی از عذاب یا لاقل به تخفیف آن می اندیشند و از نجات خویش سخن می گویند، گاهی خودشان با تضرع و زاری از پیشگاه الهی درخواست بیرون شدن از دوزخ را مینمایند و گاهی از فرشتگانی که مامور دوزخند تمنا می نماید.
دوزخیان در جهنم استغاثه می کنند و می گویند: پروردگارا از این محیط رنج و عذاب ما را بیرون آور تا از این پس کارهایی روا و شایسته، غیر از آنچه قبلا عمل می کردیم، انجام دهیم. **فاطر/37**
آنکه در آتشند به خازنین جهنم میگویند: از خدا بخواهید تا یک روز عذاب را بر ما تخفیف دهد. **مومن/49**

عواملی که سبب بسته شدن درهای جهنم به روی انسان می شود

اشاره مختصر از دیدگاه روایات نشان می دهد ایمان و عمل و عبادت و خودسازی مخصوصا در ماه مبارک رمضان سبب بسته شدن درهای دوزخ می شود.
و درهای دوزخ در این ماه بسته است، از درگاه خدا بخواهید تا آن را به سوی شما نگشاید.
روزه گرفتن و یا (7 روز روزه گرفتن) در ماه رجب موجب بسته شدن هفت در دوزخ می گردد.
حلال خواری، انجام نمازهای مخصوص در روز سه شنبه، ولایت و محبت علی(ع)، چنانکه علی(ع) فاتح درهای دوزخ به روی کافران و مجریان و یا درهای بهشت به روی بهشتیان است. (ابعاد توصیف بهشت و جهنم بسیار مفصل است و در این مقوله نمی گنجد).
امام سجاد(ع): بار الها به تو پناه می برم از آتشی که نورش ظلمت است و نرمی اش دردناک.

نتیجه گیری:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت

یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر به کمال ذره ای دست نیافت

نتیجه می گیریم که مرگ پایان بخش زندگی نیست، بلکه غروبی است که طلوعی درخشانتر در پیش دارد، مرگ نسبت به دنیا مرگ و نسبت به جهان دیگر تولد است. پس آدمی نابود نمی شود و از یک هستی به هستی بالاتری می رود، مرگ گذرگاهی به سوی زندگی جاودانه است.

فرو شدن چو بدیدی برآمدن بنگر

غروب شمس و قمر را چرا زیان باشد

خداوندا نامه اعمالم را روز قیامت به دست راستم عطا فرما، خداوندا پرونده ام را به دست چپ یا از پشت سر

عطا نفرما، بارالها مرا از كسانى كه دستهايشان با زنجير به گردنشان بسته مى شود قرار مده.

منبع: موافق قيامت/ فهمه صدر كريمى

WWW.MIHANDOWNLOAD.COM

VAHIDEH

email:vahideh3008@yahoo.com

weblog:www.peyambar-messenger.blogfa.com

پایان

WWW.MIHANDOWNLOAD.COM